



جامعه

(۲)

روزنامه



• No.7 • Vol.1 • Feb, 15, 1998 •

• Jameh (Society) Iranian Independent Daily •

• یکشنبه ۲۶ بهمن ۱۳۷۶ • ۱۸ شوال ۱۴۱۸ • سال اول • شماره هفتم • ۴۰ تومان • ۱۶ صفحه •

مصاحبه اختصاصی جامعه با یک مقام کوییتی

حمله آمریکا به عراق امروز یا فردا

* سفر عبدالحلیم خدام
و یوسف بن علوی به
تهران لغو شد

* کشورهای منطقه ستاد
بحران تشکیل دادند

* ناظران آگاه این بار
حمله آمریکا به عراق را
ویرانگر توصیف کردند

* کوییتی‌ها نگران حمله
شیمیایی عراق هستند

گروه سیاسی - بین الملل - دو
مقام سیاسی در سوریه و کویت
فاش کردند نیروهای آمریکا
احتمالاً طی امروز یا فردا به عراق
حمله خواهند کرد.

مقامهای سیاسی در سوریه و
کویت به «جامعه» گفتند در پی
اعلام شمارش معکوس برای حمله
آمریکا به عراق در دمشق، کویت و
عمان ستاد بحران به ریاست رؤسای
این کشورها تشکیل شده است.
برپایه همین گزارش عبدالحلیم
خدام که قرار بود امروز برای انجام
مذاکرات سیاسی با مقامهای ایرانی

اغتشاش کمونیستهای ایرانی مقیم
آلمان در سخنرانی دکتر سروش



عکس از: سیپاپرس

نیروهای آمریکایی علی‌رغم مخالفت کشورهای منطقه با حمله به عراق شمارش معکوس را برای یورش به مردم بی‌دفاع آغاز کرده‌اند

این ناظران این بار حمله
آمریکا به عراق را ویرانگر توصیف
می‌کنند.

سفر فرمانده کل قوا
به بندر عباس

آیت‌الله خامنه‌ای فرمانده
کل قوا به استان هرمزگان می‌روند.
گفته می‌شود این سفر که احتمالاً
امروز انجام می‌شود در رابطه با
تحولات اخیر خلیج فارس صورت
می‌گیرد.

بقیه در صفحه ۲

به تهران بیاید ناگهان سفر خود را
لغو کرد. همچنین یوسف بن علوی
وزیر امور خارجه عمان نیز که قرار
بود اوایل این هفته برای گفتگو در
مورد بحران خلیج فارس با مقامهای
ایرانی به تهران بیاید، سفر خود را
متوقف کرد.

اوجگیری بحران منطقه در پی
شکست مذاکرات سیاسی در
محورهای مسکو، نیویورک، پکن و
بغداد به وجود آمد.

ناظران سیاسی بر این باورند
که فقط یک تحول پیش‌بینی نشده
می‌تواند تصمیم آمریکا را برای
شروع حمله به عراق منتفی کند.

صفحه ۴

ادبی



گفتگو

واکنش‌های
مقاله
جنگلها و جنگها

سیاسی



اقتصادی

گروه - ۲۴
نگاه به زمانه‌ای
که
وجود ندارد

بین الملل



فرهنگی

عاطفه
سیری چند؟

هنری



اندیشه

کثرت‌گرایی
و
جامعه مدنی

اصلی و علی‌البدل هیأت مدیره
کانون وکلای دادگستری انتخاب
شدند.
از میان افراد شرکت کننده در
این انتخابات، جهانگیر حسنخانی با
۸۸۶ رأی رتبه اول را به دست آورد.
براساس قانون، اعضای هیأت
رئیس کانون وکلا توسط هیأت
مدیره و از میان وکلایی که حداقل
۲۰ سال سابقه وکالت دارند،
انتخاب می‌شوند.

گروه سیاسی - «آلبرت
روهان» مدیر کل وزارت خارجه
اتریش ظرف هفته‌های آینده برای
انجام پاره‌ای مذاکرات سیاسی،
اقتصادی، فرهنگی و همچنین
تبادل نظر در مورد مسائل مهم
منطقه‌ای و بین‌المللی به تهران
سفر خواهد کرد.
یک سخنگوی بخش

مطبوعاتی سفارت ایران در وین در
گفتگو با ایرنا ضمن تأیید این
مطلب گفت: «در چارچوب
رایزنی‌های فیما بین ایران و اتریش،
دیدار مدیرکل وزارت خارجه این
کشور از تهران در چند هفته آینده
در دستور کار مناسبات دو جانبه
قرار دارد».
وی افزود: «روهان» به دعوت
رسمی «مرتضی سردی» معاون
اروپا و آمریکای وزارت خارجه به
تهران می‌آید.
هفته گذشته «آیا» خبرنگاری
اتریش نیز گزارش داد که
«آلبرت روهان» مدیر کل وزارت
خارجه اتریش به زودی برای
تبادل نظر با مقامات وزارت خارجه
ایران به تهران سفر خواهد کرد.

خواسته‌های شورای امنیت از عراق
بیشتر از موضوع بازرسی
کاخاست.
این بخشی از شرایط شورای
امنیت است. دولت عراق تلاش
می‌کند این موضوع فرعی را اصلی
کند.
احمدالربعی در پاسخ به سؤال
دیگر خبرنگار سیاسی جامعه گفت:
باور من این است که حیات رژیم
صدام حسین در گرو استمرار بحران
است. در عراق اوضاع غیرطبیعی
است و کسی نیست واقعیتها را به

ایران و آنگاه اشغال کویت در آغاز
دهه ۹۰ و اگر اوضاع عراق حل شود،
بحران داخلی این کشور و بحران این
کشور با ایران و کویت و سوریه حل
خواهد شد.
دکتر احمدالربعی در پایان این
گفتگو و در پاسخ به سؤالی در مورد
اوضاع کویت گفت: کویت از لحاظ
نظامی در آماده باش کامل به سر
می‌برد. کویتی‌ها نگران حمله
شیمیایی و بیولوژیک عراق در
واکنش به حمله آمریکا هستند.

نیویورک تایمز:

حمله به عراق، آمریکا را بی اعتبار می‌کند

گروه سیاسی - نیویورک
تایمز نوشت: «اگرچه تلاش جدید
سیاسی و تبلیغی آمریکا و
اسرائیل، روسیه و فرانسه را هدف
گرفته است اما در کانون همه آنها
ایران قرار دارد».
این روزنامه که به شدت نگران
تنها بودن آمریکا در حمله نظامی
علیه عراق است روز پنجشنبه در
سرمقاله خود ادعا کرد: «ایران تنها
کشوری است که از حمله نظامی
آمریکا علیه عراق بیشترین بهره را
می‌برد».
به گزارش ایرنا، در بحران
جاری عراق، روسیه، فرانسه و چین
سه عضو دائم شورای امنیت در یک
موضع مشترک بر اتخاذ راه حل

از سوی دیگر سیاستمداران
کهنه کار آمریکایی مخالف حمله
نظامی آمریکا به عراق بدون
جلب رضایت متحدان عرب و
اروپایی واشنگتن هستند و معتقدند
برخورد نظامی آمریکا با عراق به
اعتبار بین‌المللی واشنگتن شدیداً
ضربه خواهد زد. عده‌ای نیز معتقدند
نتیجه حمله نظامی هرچه باشد به
نفع ایران، دشمن قدیمی عراق تمام
می‌شود.

پرونده مدیران مسئول «ایران فردا» و «اخبار» فردا مورد رسیدگی قرار می‌گیرد

به پرونده‌های تخلفات مطبوعات در
محاکم عمومی تهران گفت: «از آنجا
که مطبوعات رسالت و وظایف و
تعهدات خاصی در جامعه دارند لذا
رسیدگی به جرائم مطبوعاتی از
لحاظ کیفیت با دیگر جرائم متفاوت
است. در این قبیل جرائم قانونگذار
امتیازی برای مطبوعات قائل شده
تا با حضور هیأت منصفه به جرائم
آنها رسیدگی شود».
جلسات دادگاه مطبوعات
همانند دوره قبلی هر دو هفته یکبار
روزهای دوشنبه در محل سالن
شهید بهشتی مجتمع قضایی ویژه
برقرار می‌شود.

گفته می‌شود دلیل احضار
مدیرمسئول اخبار، شکایت
محمدمایلی کهن سرمربی پیشین
تیم ملی ایران از وی است. همچنین
مدیرمسئول ماهنامه «ایران فردا»
نیز ظاهراً در پی شکایت آیت‌الله
مهدوی‌کلی به دادگاه احضار شده
است.

وی افزود: «یک فقره شکایت
از کمیسیون ماده ۱۰ احزاب نیز در
این جلسه مطرح می‌شود که در
صورت تمایل اعضای هیأت منصفه
موضوع مورد رسیدگی قرار
می‌گیرد».
وی در مورد چگونگی رسیدگی

گفته می‌شود دلیل احضار
مدیرمسئول اخبار، شکایت
محمدمایلی کهن سرمربی پیشین
تیم ملی ایران از وی است. همچنین
مدیرمسئول ماهنامه «ایران فردا»
نیز ظاهراً در پی شکایت آیت‌الله
مهدوی‌کلی به دادگاه احضار شده
است.

همایش مسائل کودکان و نوجوانان ایران



به این وسیله به اطلاع می‌رساند همایش مسائل
کودکان و نوجوانان ایران اسفند ماه سال جاری
برگزار می‌گردد. کلیه افراد علاقه‌مند به شرکت
در این همایش که در رشته‌های مرتبط با
موضوعات و مباحث همایش دارای
مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد و بالاتر
هستند، لازم است برای دریافت
دعوت‌نامه فرم ذیل را حداکثر تا تاریخ
۷۶/۱۱/۳۰ تکمیل و به آدرس دبیرخانه
ارسال نمایند.

همایش مسائل کودکان و نوجوانان ایران

نام و نام خانوادگی: سن: جنس:
رشته و میزان تحصیلات: شغل: محل کار:
آدرس:
تلفن: فاکس:
تاریخ: امضا:



سازمان بهزیستی کشور
معاونت امور فرهنگی و پیشگیری

دبیرخانه همایش: تهران خیابان استاد مطهری
روبروی باشگاه بانک سپه شماره ۵۶
تلفن: ۸۴۵۷۹۰ فاکس: ۸۴۱۸۸۲

شکایت و اعلام جرم کرده که دادگاه مطبوعات در مرحله ابتدایی
توضیحات ابراهیم یزدی را استماع کرده است. هنوز حکم خاصی از
سوی دادگاه صادر نشده است.
● گفته می‌شود سیدمحمد خاتمی رئیس جمهوری، در اجرای وظیفه
نظارت بر اجرای قانون اساسی، نامه‌ای به قوه قضائیه نوشته و در
مورد موضوع توقیف افراد و رعایت حقوق فردی، از مسئولان این قوه
توضیح خواسته است.

گفته می‌شود که از سوی رازینی رئیس دادگستری استان تهران
پاسخی به نامه مذکور داده شده و عنوان شده که این بازداشتها
براساس دلایل قانونی صورت گرفته است.

● دکتر فضل‌الله صلواتی استاد دانشگاه اصفهان و مدیر مسئول
نشریه نوید با ارسال نامه‌ای به دفتر روزنامه، در مورد خبر رایزنی
وی میان دکتر سروش و استاد محمدتقی جعفری در ستون خبرنگار
خصوصی شماره ۷۶/۱۱/۲۱ نوشت: ضمن تأسف از نقاری که بین
عالمان دینی و آگاهان به مسائل مذهبی توسط دستهای مرموز ایجاد
می‌شود و آتش‌بیاران معرکه برای منافع خود به آن دامن می‌زنند،
اینجانب انجام چنین رایزنی‌هایی را کاری شایسته می‌دانم اما خود
تاکنون درصدد چنین کاری نبوده‌ام و مسافرت بنده به تهران در یک
ماه گذشته منحصر به کاری اداری بود که فقط چندساعت طول کشید
و در این سفر نتوانستم حتی با استاد جعفری ملاقاتی داشته باشم. با
آقای دکتر سروش هم دو سال است که دیداری نداشته‌ام».

رئیس جمهور: ایران و ترکیه هرگونه تغییر در وضعیت جغرافیایی سیاسی منطقه را بر نمی‌تابند

گروه سیاسی - «سیدمحمد
خاتمی» گفت: «هرگونه تغییر در
وضعیت جغرافیایی سیاسی منطقه
برای دو کشور ایران و ترکیه قابل
قبول نیست».
به گزارش ایرنا وی روز شنبه
هنگام دریافت پیام کتبی «سلیمان
دمیرل» رئیس جمهور ترکیه گفت:
«حمله به عراق نه تنها مشکلی را
حل نمی‌کند بلکه برای منطقه
مشکل‌آفرین نیز می‌شود».
رئیس جمهور همچنین ابراز
امیدواری کرد که عراق هرچه زودتر

گزارش به خوانندگان

روزنامه‌جامعه مانند هر روزنامه جدیدالتأسیس در روزهای اولیه با
مشکل نحوه توزیع مواجه است. بخش توزیع می‌کوشد به محض خروج
روزنامه از چاپخانه آن را در شبکه توزیع مطبوعات قرار دهد، اما
روزنامه‌جامعه مشکل دیگری نیز دارد که تا یافتن راه‌حلی برای آن
همراهی خوانندگان گرامی با گردانندگان جامعه مورد تقاضا است. این
مشکل در روزهای پنجشنبه و شنبه هر هفته بروز می‌کند. اصل مشکل
این است که ایرانچاپ در قبال روزنامه همشهری و مجله دنیای ورزش
تعهدات دیگری دارد که از قبل تنظیم شده است. روزنامه ضمن احترام به
این تعهدات امیدوار است در آینده ترتیبی اتخاذ کند که در این دو روز
نیز مانند روزهای دیگر هفته، جامعه زودتر در اختیار خوانندگان قرار
گیرد.

روز گذشته (شنبه ۷۶/۱۱/۲۵) روزنامه عملاً از ساعت ۲/۵
بعدازظهر به بعد چاپ شد و به همین دلیل در تهران بجای ۳۵ هزار نسخه،
تنها ۲۰ هزار نسخه توزیع شد و بقیه تیراژ تا ۷۵ هزار و ۸۰۰ نسخه که
امکان چاپ یافت به استانها ارسال شد.
لذا یکبار دیگر از عموم خوانندگان عزیز تقاضا می‌کنیم که تا اطلاع
ثانوی، بعدازظهرها روزنامه را ایتباع فرمایند و روزهای شنبه و پنجشنبه
هر هفته تأخیرهای ناگزیر را بر ما ببخشایند. روزهای دیگر هفته، جامعه از
ساعت ۱۳ به بعد به شبکه توزیع سپرده می‌شود. گردانندگان جامعه به این
همراهی خوانندگان گرامی سپاس می‌گویند.



استقرار ۳۰۰۰ سرباز آمریکایی در کویت آغاز شد هشدار عراق! بحران دامن همه را می گیرد

فشارهای غیرمستقیم به روسیه و فرانسه

سازمان ملل - ایرنا - در پی بن بست مذاکرات آمریکا و روسیه درباره بحران عراق، مقامهای آمریکا با اسرائیل و سایر متحدان خود تلاش سیاسی و تبلیغاتی جدیدی را برای تحت فشار گذاشتن روسیه و فرانسه آغاز کرده اند.

مادلین آلبرایت وزیر امور خارجه آمریکا اعلام کرد، به زودی تصمیم وزارت خارجه آمریکا درباره شرکت توتال فرانسه را که قانون داماتو را نقض کرده اعلام می کند.

در تلاش دیگری علیه روسیه، رسانه های همگانی آمریکا بویژه روزنامه واشنگتن پست با اطلاعات دقیقی که بدست آوردن آنها برای یک خبرنگار مشکل است ادعا کردند، بازرس تسلیحاتی سازمان ملل در عراق اسنادی را بدست آورده اند که حکایت از فروش تجهیزات ساخت سلاحهای میکروبی از سوی روسیه به عراق دارد.

۱۳۰۰ زندانی عرب غیرعراقی در زندانهای عراق اسیر هستند. بیشترین نفرات آنها فلسطینی هستند.

احزاب و گروههای لبنانی خواستار همبستگی و اتحاد همه جانیه ملتها و دولتهای منطقه در برابر سیاست سیطره طلبانه آمریکا شدند.

بیش از بیست حزب ملی و گروه اسلامی لبنان جمعه شب با شرکت در یک گردهمایی در بیروت، سیاست آمریکا در منطقه را محکوم کردند.

این احزاب تأکید کردند، چگونه است که آمریکا برای واداشتن عراق به اجرای قطعنامه های سازمان ملل به لشکرکشی نظامی به خلیج فارس اقدام کرده است حال آنکه با حمایت از اسرائیل این رژیم را به عدم اجرای قطعنامه های سازمان ملل تشویق می کند.

فرود آمد. برخی از ناظران سیاسی این اقدام دولت قطر را مخالفت با عملیات نظامی علیه عراق تلقی کرده اند.

محمدالمصطفی مسئول یک سازمان قطری که از لغو تحریم عراق حمایت می کند در فرودگاه بغداد گفت که با مردم عراق رفتار بدی شده است و آنچه در جریان است توطئه ای علیه مردم عراق است.

هواپیمای قطری با ۱۶ تن دارو و مواد غذایی برای پرواز به بغداد از سوی مسئولان نظامی نظارت بر تحریم عراق اجازه ویژه داشت. حدود ۳۰۰ نفر از زندانیان مصری از زندانهای عراق آزاد شدند. آزادی آنها در راستای درخواست عصمت عبدالمجید دبیرکل جامعه عرب انجام شد که درخواست کرده بود زندانیان عرب از زندانهای عراق آزاد شوند. حدود

کیلوگرم) از این مواد را در فاصله سالهای ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۴ به عراق صادر کرده است.

سختگویی این مرکز اعلام کرد: صادرات این مواد با تصویب بخش تجارت بریتانیا صورت گرفته است. ما تصور می کردیم که عراق برای مقاصد پزشکی این مواد را خریداری می کند. این مواد علاوه بر استفاده در مصارف و آزمایشهای پزشکی برای تولید سلاحهای بیولوژیکی نیز می تواند به کار رود.

AFP گزارش داد که دولت فلسطین خواستار برگزاری فوری اجلاس سران عرب به منظور حل بحران عراق شد.

دولت خردگرددان فلسطین خواستار بررسی راههایی برای مواجهه با خطرانی است که سرزمینهای اعراب را تهدید می کند. این دولت همچنین خواستار یک «راه حل سیاسی»، برای حل بحران عراق و سازمان ملل شد و اقدام نظامی علیه عراق را رد کرد. دولت خودگردان، اسرائیل را برای سوء استفاده از تظاهرات همبستگی به نفع عراق محکوم کرد.

به گزارش ایرنا: روزنامه های کویت نوشتند که ارتش کویت برای درهم شکستن هرگونه حمله از جانب عراق، نیروهای خود را به مرزها گسیل داشته است.

به گزارش AFP از کویت، روزنامه الوطن به نقل از یک منبع نظامی نوشت، نیروهای کویتی در طول مرز شمالی با عراق مستقر شده و آماده دفاع هستند.

روزنامه الرای العام نیز از قول یک مقام نظامی نوشت: ورود ۳۰۰۰ تنگدار دریایی به کویت که از سوی آمریکا اعزام شده اند از امروز (یکشنبه) آغاز می شود. انگلیس نیز تعهد و پایبندی خود را نسبت به حفظ ثبات و امنیت کویت در مقابل خطرات احتمالی مورد تأکید قرار داد.

یک هواپیمای قطری حامل مواد غذایی و دارو در فرودگاه بغداد

با او برخورد کرد. به گزارش رویتر، دیروز دلیلی تلگراف اعلام کرد که انگلیس

از سال ۱۹۹۴ تاکنون تجهیزاتی را به عراق صادر کرده است که می تواند برای تولید سلاح میکروبی سیاه زخم، مورد استفاده قرار گیرد.

● دلیلی تلگراف: انگلیس ۳۰۰۰ پوند مواد شیمیایی برای تولید سلاح میکروبی سیاه زخم به عراق صادر کرده است



عکس از: سپاپرس

مرکزی که این مواد را برای فروش به عراق عرضه کرده، تأیید کرد که یکی از شرکتهای وابسته به این مرکز حدود ۳۰۰۰ پوند (۱۳۶۰

انعطاف از خود نشان دهد. وزیر خارجه انگلیس گفت: حال نوبت عنان است تا شانس خود را امتحان کند، اما صدام حسین کسی است که فقط با منطق زور می توان

حمایت می کند. رابین کوک وزیر خارجه انگلیس گفت: در صورتی که قرار است راه حل دیپلماتیک ادامه یابد سفر کوفی عنان می تواند کمکی جدی باشد، مشروط به اینکه

در همین حال جیان چیچن وزیر خارجه چین بار دیگر مخالفت کشورش را با هرگونه عملیات نظامی علیه عراق اعلام کرده و تأکید کرده است که حمله باعث

کشتار اقشار غیرنظامی و بیگناه مردم عراق می شود. بسیل ریچاردسون نماینده آمریکا در سازمان ملل نیز وارد چین شد.

محمد سعید الصحاف وزیر خارجه عراق نیز به زودی تلاش دیپلماتیک جدیدی را در منطقه آغاز خواهد کرد. وی روز دوشنبه به بیروت و سپس به پاریس سفر خواهد کرد.

وزارت خارجه انگلیس اعلام کرد که از سفر کوفی عنان به بغداد

اف - ۱۱۷ و شش فروند جنگنده ضدرادر به این کشور کوچک خلیج فارس اعزام کرده است.

به گفته یک مسئول وزارت خارجه آمریکا، دولت این کشور همچنین تصمیم گرفته است فرستاده ای را برای تشریح سیاست واشنگتن در قبال عراق به کشورهای عمده عربی اعزام کند.

به گزارش AFP از واشنگتن، این فرستاده «دیوید جرج نیوتن»، کارشناس امور عربی و سفیر سابق آمریکا در یمن است.

خبرگزاریها - معاون نخست وزیر عراق گفت: لشکرکشی آمریکا و هم پیمانانش به خلیج فارس در آینده دامنگیر کشورهای همسایه عراق نیز خواهد شد.

رادیو بغداد به نقل از طارق عزیز گفت: حضور نظامی آمریکا و هم پیمانانش در خلیج فارس تنها برای حمله علیه عراق نیست. کشورهای خلیج فارس از اینکه این کشور مورد تعرض آمریکا قرار گرفته نباید به آیند خود خوش بین باشند، زیرا این تهدیدات دیر یا زود دامنگیر آنها نیز خواهد شد.

وی اعلام کرد: عراق در جریان بازرسی هفت ساله کمیسیون خلع سلاح، تمام تسلیحات ممنوعه خود را از دست داده است.

فرمانده نیروی هوایی آمریکا دیروز (شنبه) وارد کویت شد تا با مسئولان این کشور پیرامون عملیات احتمالی علیه عراق مذاکره کند.

این در حالی است که یوسف بن علوی وزیر خارجه عمان در مصاحبه با الشرق الاوسط گفته است که عراق کمتر از یک هفته فرصت دارد، اما امید به موفقیتهای سیاسی باقی است.

عمان هفته گذشته اعلام کرد که به آمریکا اجازه خواهد داد تا برای حمله به عراق از پایگاههای این کشور استفاده کند.

«مایکل راین» ژنرال چهارستاره آمریکایی در جریان دیدار خود قرار است با علی المؤمن فرمانده نیروهای نظامی کویت نیز دیدار کند.

این در حالی است که آمریکا شش فروند بمب افکن استیل

سنبل صلح، آلوده به رادیواکتیو

تهران - ایرنا - تعدادی از کبوترهای انگلیسی که در نزدیکی یک نیروگاه هسته ای این کشور لانه داشتند آلوده به مواد رادیواکتیو

یک موشک صدر صد عراقی آزمایش شد

تهران - ایرنا - روزنامه عرب زبان الحیات روز جمعه به نقل از محمدسعید الصحاف وزیر امور خارجه عراق گزارش داد، عراق موشک جدیدی را که ۱۵۰ کیلومتر برد دارد با موفقیت آزمایش کرده است.

به گزارش AFP از قاهره و به نوشته روزنامه مذکور، الصحاف روز چهارشنبه در قاهره اعلام کرد، این موشک «صدر صد ساخت عراق» است و با وجود تحریم بین المللی عراق ساخته شده است. عراق از زمان اشغال کویت در سال ۱۹۹۰ در تحریم چند جانبه از سوی سازمان ملل قرار گرفته است و بویژه ساخت موشکهای دارای بیش از ۱۵۰ کیلومتر برد برای این کشور ممنوع است.

انفجار اتمی در
رایانه های آمریکا

معجزه پاپ
در کوبا

مه، برف، باران، طالبان
موانع اصلی کمک رسانی به زلزله زدگان افغان

شماره قطار	ساعت حرکت	ساعت ورود
۶۶	۱۷/۵۰	۶/۲۰
۷۰ (یکشنبه و جمعه)	۱۸/۴۰	۷/۵۰
۷۲ (پنجشنبه)	۱/۳۵	۱۳/۵۵

مبدأ: تبریز

شماره قطار	ساعت حرکت	ساعت ورود
۶۵	۱۷	۵/۰۵
۶۹ (شنبه و پنجشنبه)	۱۸/۵۵	۷/۵۰
۷۱ (سه‌شنبه)	۲۱/۱۰	۹/۳۵

مقصد: تهران

یکشنبه ۲۶ بهمن

شبکه ۵

۱۷/۱۵: رودررو.

۱۸/۱۵: در شهر.

۱۸/۳۰: اخبار تهران.

۱۹/۰۰: شهر من.

۱۹/۳۰: آینه.

۲۰/۱۵: پخش ۵.

۲۰/۴۵: محله‌های شهر ما.

۲۱/۰۰: مسابقه بهترین

انتخاب.

۲۱/۴۵: در شهر.

۲۲/۰۰: اخبار - تفسیر.

۲۲/۱۵: در شهر.

۲۲/۳۰: مستند خارجی.

۲۳/۱۵: شهر من.

۲۳/۴۵: موسیقی شب.

شبکه ۴

۱۲/۳۵: سفرهای علمی.

۱۳/۰۵: ماجراهای واقعی

قرن ۲۰.

۱۳/۳۵: دندان پزشکی.

۱۴/۵۰: پزشکان آینده.

۱۹/۲۰: خانه‌های قدیمی.

۱۹/۵۰: آینه کتاب.

۲۰/۰۵: اخبار.

۲۰/۲۰: دستاورد.

۲۱/۰۵: گفتگو با ادیان

الهی.

۲۱/۵۰: سمینار اقتصادی.

۲۳/۰۵: اخبار انگلیسی.

۲۳/۳۵: سینمای عصر ما.

شبکه ۳

۸: صبح و زندگی.

۱۰: صبح و ورزش.

۱۳/۱۵: سریال ایرانی بهشت

گمشده.

۱۴: قاصدک.

۱۵: گزارش ورزشی.

۱۶/۳۰: جنگ جوان.

۱۷: فصل سبز.

۱۷/۳۰: همگام با ورزش.

۱۸/۱۵: مستند.

۱۹: برای فردا.

۱۹/۳۰: فصل دوم.

۱۹/۴۵: اخبار ورزشی.

۲۰: مسابقه راز سیب.

۲۰/۴۵: جنگ ورزش.

۲۲/۳۰: قاصدک.

۲۳: گزارش ورزشی.



گروه اجتماعی - کاست «کدی بابا» محصول مشترک جمشید نجفی، صمد نوریان و علی درخشان از سوی شرکت پیام کاست به بازار آمد.

این مجموعه به زبان آذری است و در آن ترانه‌های گلدی بابا، مجنون، منیم آقام، موسیقی بی‌کلام، آنا، بالیقار، بیگانه و صفای بهار را گنجانده‌اند.

آواز نجفی با نوای گارمون اصغر بهرام‌زاده، تاروتاریاس فرهاد فرجلی، ویلن رسول بهبهانی، قیچک علی‌درخشان، ناکاره وحید اسداله‌بی، کمانچه امیر راستبه، کلارینت علی مختار نوروزاف، پیانوی کوروش حیدرنیا، دف غلام بهبودی، آکاردئون راحم یکدل و همسرایی الهه حمیدی همراه است. صمد نوریان، آهنگساز کاست گلدی بابا دانش آموخته مکتب استاد مهرتاش و اولین باغچه‌بان است و مجموعه حاضر ششمین اثر وی پس از مجموعه گجه‌لر است که روانه بازار می‌شود.

مسابقات قرآن کریم ویژه مدیران دولتی

دومین دوره مسابقات حفظ و قرائت قرآن ویژه مدیران در مرکز آموزش مدیریت دولتی برگزار می‌شود. زمان و مکان برگزاری مسابقه امروز و فردا (۲۶ و ۲۷ بهمن ماه) ساعت ۸ و ۳۰ دقیقه در خیابان میرداماد، میدان مادر، خیابان شهید شاه‌نظری، کوچه دهم، ساختمان دارالقرآن الکریم مرکز آموزش مدیریت دولتی است.

مسعود خامسی‌پور



خانه فرهنگ مهرآور دایر می‌شود. تلفن: ۷۴۳۱۰۲۵

● آموزش گلسازی (گل‌های آپارتمانی، کریستالی و آহারی) در خانه فرهنگ مهرآور برگزار می‌شود. تلفن: ۷۴۳۱۰۲۵

● خانه فرهنگ مهرآور یک دوره آموزش فیلمبرداری به طریق VHS برگزار می‌کند. تلفن: ۷۴۳۱۰۲۵

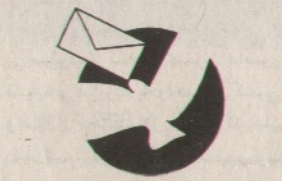
● آثار گرافیک، نقاشی و سفالگری «مریم جدی»، «هدی ممتاز» و «فرنوش محضر» در

شتتشی رادیاتور اتومبیل

آبی که در داخل رادیاتور ریخته می‌شود محتوی آهک و نمک است که به هنگام گرم شدن رسوب می‌کند. این رسوب علاوه بر آنکه راه رادیاتور و مجراهای آب را می‌بندد مانع هدایت آب می‌شود و ممکن است لوله‌ها و راه‌های باریک رادیاتور را مسدود کند. بنابراین ترجیحاً از آب جوشیده استفاده کنید یا با استفاده از مواد حافظ رادیاتور که در اغلب فروشگاه‌های لوازم اتومبیل موجود است، از رسوب مواد جلوگیری کنید. ساده‌ترین راه برای تمیز نگهداشتن رادیاتور تعویض آب آن است. به محض آن که رنگ آب رادیاتور تغییر می‌کند یا آلوده می‌شود، باید آب را تعویض کرد و رادیاتور را شست. شیر تخلیه آب در زیر رادیاتور پیچ شده که با باز کردن آن می‌توان آب را تعویض کرد. به هنگام باز کردن شیر رادیاتور بهتر آن است که موتور چند لحظه کار کند تا آب داخل شیلنگ‌ها و موتور تخلیه شود. با گشودن شیلنگ زیرین رادیاتور هم می‌توانید آب را عوض کنید.

آنچه یافته‌های تازه درباره مریخ در فرهنگسرای شفق برگزار می‌شود. زمان برگزاری این سمینار روز سی‌ام بهمن ماه ساعت ۱۶/۴۵ است. علاقه‌مندان برای تهیه بلیت این سمینار می‌توانند با تلفن ۸۷۱۸۸۴۹ و ۸۷۲۲۱۱۴ تماس بگیرند.

● مسابقه نامه‌نویسی با عنوان «نامه کودک ایرانی به کودک فلسطینی» در خانه فرهنگ با صفا برگزار می‌شود. مهلت ارسال آثار تا ۹ اسفندماه است. تلفن ۶۰۹۸۷۲۸



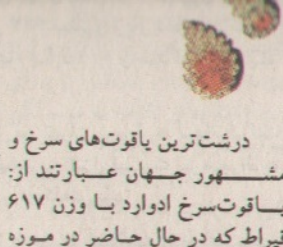
● پست تصویری: با استفاده از پست تصویری می‌توان تصویر مدارک و نامه‌ها را در صورتی که منع قانونی نداشته باشد ظرف چند ثانیه از طریق دستگاه نمابر (فاکسی میل) به مقصد ارسال کرد. تصاویر ارسالی به طریق پست تصویری در مقصد به صورت اکسپرس به نشانی گیرندگان توزیع می‌شود.



خطوط اتوبوس

● خط ۱۲۵ طول مسیر: ۲۲/۶ کیلومتر مبدأ: ترمینال تجریش مقصد: میدان هفت تیر مسیر رفت: از خیابانهای ولی عصر، بزرگراه مدرس، میدان هفت تیر مسیر برگشت: از خیابانهای شهید مفتح، زهره، مدرس، ولی عصر

عکس روز



درشت‌ترین یاقوت‌های سرخ و مشهور جهان عبارتند از: یاقوت‌سرخ ادوارد با وزن ۶۱۷ قیراط که در حال حاضر در موزه علوم طبیعی لندن نگهداری می‌شود، یاقوت‌سرخ ستاره ریوز با وزن ۱۳۸/۷ قیراط که در موزه اسمیتسونین ایالت متحده جای گرفته، یاقوت‌سرخ لائنگ استار با وزن ۱۰۰ قیراط که در موزه علوم طبیعی نیویورک نگهداری می‌شود و یاقوت‌سرخ صلح با وزن ۴۳ قیراط که به دلیل کشف آن در سال ۱۹۱۹ (پایان جنگ جهانی اول) به یاقوت صلح موسوم است.

برنامه سینماهای تهران

○ ابراهیم - کارگردان: حمید رضامحسني

● سینما سعدی

ساعت نمایش: ۱۷/۰۰ - ۱۵/۳۰ - ۱۴/۰۰ - ۱۲/۳۰ - ۱۱/۰۰

● سینما ۲۰/۳۰

خیابان جمهوری، بعد از میدان بهارستان - تلفن: ۶۴۶۸۴۶۱

● سینما شهر تماشا

ساعت نمایش: ۱۸/۰۰ - ۱۶/۰۰ - ۱۴/۰۰ - ۱۲/۰۰ - ۱۰/۰۰

● میدان انقلاب - تلفن: ۶۴۲۷۱۵۹

○ نون و گلدون - کارگردان: محسن مخملباف

● سینما صحرا

ساعت نمایش: ۱۷/۰۰ - ۱۵/۳۰ - ۱۴/۰۰ - ۱۲/۳۰ - ۱۱/۰۰

● سینما ۲۰/۳۰

خیابان شریعتی، سهره طالقانی - تلفن: ۷۵۰۷۷۷۷

● سینما عصر جدید (سالن شماره ۱)

ساعت نمایش: ۱۷/۳۰ - ۱۵/۴۵ - ۱۴/۰۰ - ۱۲/۱۵ - ۱۰/۳۰

● سینما ۲۱/۱۵

خیابان طالقانی، نیش وصال - تلفن: ۶۵۲۵۵۰

○ آدم برفی - کارگردان: داوود میرباقری

● سینما عصر جدید (سالن شماره ۲)

ساعت نمایش: ۱۸/۳۰ - ۱۶/۳۰ - ۱۴/۳۰ - ۱۲/۳۰ - ۱۰/۳۰

● سینما ۲۰/۳۰

خیابان طالقانی، نیش وصال - ۶۵۲۵۵۰

● سینما آستارا

ساعت نمایش: ۱۸/۳۰ - ۱۶/۳۰ - ۱۴/۳۰ - ۱۲/۳۰ - ۱۰/۳۰

● سینما ۲۰/۳۰

میدان تجریش - تلفن: ۲۷۴۰۲۲

○ بچه‌های آسمان - کارگردان: مجید مجیدی

● سینما کانون

ساعت نمایش: ۲۰/۰۰ - ۱۸/۰۰ - ۱۶/۰۰ - ۱۴/۰۰ - ۱۱/۳۰

● سینما ۱۱/۳۰

خیابان شهید خالدا سلامبولی، نیش کوچه چهارم - تلفن: ۸۳۶۰۶۵۶

○ کلید ازدواج - کارگردان: داوود موثقی

● سینما مراد

ساعت نمایش: ۱۵/۴۵ - ۱۴/۱۵ - ۱۲/۴۵ - ۱۱/۱۵ - ۹/۴۵

● سینما ۱۷/۱۵

میدان امام حسین - تلفن: ۷۵۰۳۳۸۲

● سینما مرکزی

ساعت نمایش: ۱۶/۴۵ - ۱۵/۰۰ - ۱۳/۱۵ - ۱۱/۳۰ - ۱۰/۰۰

● سینما ۱۸/۳۰

خیابان انقلاب، نیش آزادی - تلفن: ۹۲۸۶۸۶

● سینما استقلال

ساعت نمایش: ۱۸/۳۰ - ۱۶/۳۰ - ۱۴/۳۰ - ۱۲/۳۰ - ۱۰/۳۰

● سینما ۲۰/۳۰

بالا تر از میدان ولیعصر - تلفن: ۸۹۳۹۴۲

تمیز کنید.

برای تکثیر بگونیا می‌توانید برگهایی با عمر متوسط را انتخاب کرد و سطح زیرین برگها را روی ماسه شسته شده خوابانید و مقداری ماسه نرم روی آن ریخت. پس از مدتی برگها ریشه‌دار می‌شوند و جوانه می‌زنند. تقسیم بوته یا ریشه به‌هنگام تعویض گلدان در فصل بهار برای ازدیاد بگونیا، راه دیگری به‌شمار می‌آید.



یکشنبه ۲۶ بهمن‌ماه

اذان صبح: ۵ و ۱۹ دقیقه

طلوع آفتاب: ۶ و ۵۲ دقیقه

اذان ظهر: ۱۲ و ۱۸ دقیقه

اذان مغرب: ۱۸ و ۶ دقیقه



● ارتجاع

در لغت به معنای بازگشت

است و به شیوه نگارش گروه‌ها، احزاب یا افرادی اطلاق می‌شود که با هر نوع پیشرفت و تحول در روابط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مخالف و خواستار بازگشت به گذشته هستند.

ارتجاع و ترقی‌خواهی در هر

جامعه نسبی است و به درجه پیشرفت و تکامل تاریخی آن جامعه بستگی دارد.

گروه‌های مترجع همان دست‌راستی‌های افراطی هر جامعه هستند که با روابط و نهادهای اقتصادی و اجتماعی در حال زوال پیوسته‌اند و در برابر هر نوع تحول مقاومت می‌کنند.

ارتجاع معمولاً با دین و نهادهای دینی مرتبط است و از دین حمایت کرده و مورد حمایت دین قرار می‌گیرد.

ارتجاع ضدهموکراسی است و با هر نوع انتقال قدرت و ثروت از طبقات حاکم به طبقات محکوم مخالف است. رژیم‌های دیکتاتوری فاشیست و استبدادیون شوکراتیک از حامیان ارتجاع هستند.



اشاره

بخش نخست

سالگرد انقلاب اسلامی معمولاً بهانه‌ای به دست می‌دهد تا مروری بر حوادث آن روزها صورت گیرد. این مرور اما، لاجرم در قالب گفتمان غالب و فضای فکری رایج صورت می‌گیرد. تحلیلی که در نخستین سالهای انقلاب، در شرایط جنگ داخلی، جنگ مرزها، پایگیری نظام... از انقلاب صورت می‌گرفت و تغییری که اینک از پس بیست سال و در فضایی متفاوت از آن صورت می‌گیرد، به ضرورت راه و رسمی جداگانه دارند.

اگر بر این اختلاف فضای زمانی، اختلاف منظر و تفاوت دیدگاه را نیز بیفزاییم، تفاوت بمراتب آشکارتر می‌شود. مقاله حاضر از این هر دو وصف برخوردارست و از زاویه‌ای جامعه‌شناختی و در فضای پس از دوم خرداد به رصد آن واقعه می‌نشیند و با مقایسه تحول انقلابی سال پنجاه و هفت و تحول اصلاحی سال هفتاد و شش به بررسی نقش روشنفکری دینی در این دو می‌پردازد. نویسنده مقاله، آقای دکتر جلالی‌پور فارغ‌التحصیل رشته جامعه‌شناسی سیاسی از دانشگاه لندن است.

از ایشان به خاطر تخصیص مقاله و حذف ناگزیر پانویست‌های مفصل آن که پشوانه استدلال مقاله است، عذر می‌خواهیم. گروه اندیشه

روشنفکران مولد مستقیماً جامعه و سیاست را تحت تأثیر قرار نمی‌دهند، بلکه از طریق روشنفکران توزیع کننده که تنها بخشی از روحانیان و تحصیلکردگان را در برمی‌گیرد بر این عرصه اثر می‌گذارند

مقدمه

چرا بیست میلیون مردم ایران، در هفتمین دوره انتخابات ریاست جمهوری، آقای خاتمی را بر رقیبش آقای ناطق نوری، رقیبی که مورد حمایت بخشهای کلیدی نظام جمهوری اسلامی بود و رأی دادن به او به مردم توصیه و تبلیغ می‌شد، ترجیح دادند؟

پاسخ به این سؤال اهل تحقیق را نه امروز که در سالهای آتی نیز به خود مشغول خواهد داشت. گو اینکه محققان در آینده برای پاسخ به این سؤال از چارچوبهای نظری رستار، داده‌های واقعه‌ای و فضای بی‌طرفانه‌تری برخوردار خواهند بود؛ اما این نارسایی نظری باعث نمی‌شود که محققان به قدر مقدور در پاسخگویی به این سؤال نکوشند و با شناسایی روندهای اصلی در این واقعه، امکانات جامعه ایران را برای آینده‌ای بهتر حدس نزنند.

در این مقاله نگارنده قصد ندارد به تشریح عللی که تاکنون در تحلیل پیروزی آقای خاتمی به آنها پرداخته شده است بپردازد. بلکه در پی بررسی چارچوبی است که کمتر به آن اشاره شده؛ و عمدتاً بررسی این مدعا که: برای فهم و تحلیل واقعه دوم خرداد نمی‌توان از عنصر «روشنفکری دینی»، و تحولاتی که از انقلاب تاکنون در درون این عنصر اتفاق افتاده، غفلت کرد. قبل از اینکه به تبیین ادعای مذکور بپردازیم، ضروری است برداشت خود را از روشنفکری و روشنفکری دینی و تفاوت آن را با تحصیلکردگان مذهبی و با روحانیان و همچنین نقش گفتمان روشنفکران را از دیدگاه جامعه‌شناسی روشن کنیم.

روشنفکران، قشری از اقشار اجتماعی هستند، که برخلاف پندار عموم، لزوماً احراز تحصیلات دانشگاهی یا تحصیلات حوزوی معیاری برای تمایز آنان از سایر اقشار نیست؛ بلکه، این توانایی ذهنی و اخلاقی را دارند که از

(در اهمیت روشنفکران دینی بر این نکته باید تأکید کرد که اگر روشنفکران در جوامع سکولار، که دینی بودن یا نبودن افراد جامعه دغدغه اصلی دستگاه سیاسی و حقوقی جامعه نیست، دارای نقش کلیدی در تحول‌زایی جامعه هستند؛ روشنفکران دینی هم در جوامع دینی، یعنی جوامعی که دینی بودن رفتار آحاد جامعه مورد توجه دستگاه سیاسی و حقوقی جامعه است، در ایجاد تحول، از نقشی محوری، کارآیی و تحول‌آفرینی بیشتری در مقایسه با روشنفکران غیردینی، برخوردارند).

این رفتار نظری و جهت‌گیری ارزشی روشنفکران، کارکرد جدیدی برای آنان به همراه داشته است و آن ایجاد تحول در گفتمانها و ایدئولوژیها در جوامع در حال گذر و جوامع مدرن است. مخاطب اصلی این گفتمانها در درجه اول نه توده‌ها که قشرهای تحصیلکرده (و اهل فن) و یا خواص جامعه‌اند؛ اینان هستند که اگر مشتری این گفتمانها بشوند از طریق مؤسسات آموزشی، رسانه‌های جمعی و سایر نهادهای اجتماعی، این ایده‌ها را به درون مردم (افکار عمومی) می‌برند، به همین دلیل از دیدگاه جامعه‌شناسی، می‌توانیم دو نوع روشنفکر را از یکدیگر تمیز دهیم:

۱: روشنفکران تولید کننده
۲: روشنفکران توزیع کننده.

از این رو، با توجه به آنچه گفته شد، اولاً: تئوری‌پردازی و تکیه بر ارزشهایی مانند آزادی، عدالت و ترقی و جسارت طرح نظرات انتقادی و دغدغه دفاع از دین در دنیای جدید، روشنفکران دینی را از تحصیلکردگان مذهبی و روحانیان به معنای عام آن جدا می‌کند. به این معنا که تعداد زیادی از تحصیلکردگان و روحانیان، با وجود احراز درجات بالایی علمی لزوماً روشنفکر نیستند، بلکه ممکن است گروهی از آنها نسبت به جریانهای روشنفکری بی‌طرف بوده و یا حتی ضد آن باشند. لذا تقابل روشنفکر - روحانی یا توازی تحصیلکرده - روشنفکر، تقابل و توازی صحیحی نیست. ثانیاً: روشنفکران مولد، مستقیماً جامعه و عرصه سیاست را تحت تأثیر قرار نمی‌دهند بلکه به وسیله روشنفکران توزیع کننده، که تنها بخشی از تحصیلکردگان و روحانیان را در برمی‌گیرد، از طریق مؤسسات و نهادهای اجتماعی یا از طریق نیروهای سیاسی و گروههای حاکم در دولت، بر عرصه سیاست اثر می‌گذارند. همین تأثیر غیرمستقیم روشنفکران مولد باعث شده است که اغلب تحلیلگران یا نقش ممتاز روشنفکران را در عرصه سیاست نادیده بگیرند - و بیشتر به نقش نیروهای سیاسی (و حزبی) و تبلیغات گروههای حاکم در دولت بپردازند -، و یا روشنفکران را در معنای عام، برابر با تحصیلکردگان، خصوصاً تحصیلکردگان دانشگاهی و روحانیان آشنا به مباحث جدید، بدانند.

در این نوشته از فرآیند فعالیت روشنفکران دینی - روشنفکران مولد و توزیع کننده - و گفتمانهای آنها در عرصه جامعه و سیاست ایران به عنوان «روشنفکران دینی» یاد می‌کنیم. از آنجا که روشنفکری دینی جریانی است که در طول زمان تکوین یافته، لذا برای تعیین نقش آن در رخداد دوم خرداد، باید به چگونگی تکوین و تحول آن در طول زمان پرداخت.

به همین منظور ابتدا به بررسی نقش و مشخصات روشنفکری دینی در جریان انقلاب اسلامی می‌پردازیم و سپس تحول این پدیده را در سالهای اخیر و در ارتباط با پدیده دوم خرداد مورد کنکاش قرار می‌دهیم.

انقلاب اسلامی

یکی از سؤالات جامعه‌شناختی که در برابر انقلاب اسلامی بهمن پنجاه و هفت قرار دارد این است که چه قدرتی در جامعه ایران باعث فروپاشی قدرت سیاسی پهلوی شد؟ یا چرا، در شرایطی که سه پایه اصلی قدرت دولت پهلوی (دستگاه نظامی - امنیتی، دستگاه دیوانسالاری، و دستگاه تبلیغاتی و ایدئولوژیک) ظاهری استوار داشت نتوانست در روند بسیج میلیونی توده‌ها، که خواستار سرنگونی رژیم پهلوی بودند، خللی وارد کند؟

به بیان دیگر سؤال اصلی این است که «قدرت اجتماعی» ناشی از بسیج سیاسی مردم چگونه تکوین یافت که «قدرت سیاسی» پهلوی در برابر آن توان ایستادگی نیافت؟

در یک پاسخ اجمالی به این سؤال می‌توان گفت: رابطه متقابل و تقارن مناسب ساختار اجتماعی و گفتمانهای سیاسی - مذهبی در جامعه ایران و همچنین جریان رویدادها در سالهای ۵۷ - ۵۶ شرایطی را به وجود آورد تا «هسته بسیج‌گر» توده‌ها خارج از حوزه نفوذ مؤسسات دولتی، شکل بگیرد. و این هسته بتواند با بسیج توده‌های میلیونی آن چنان قدرت اجتماعی‌ای را تشکیل دهد که قدرت سیاسی رژیم پهلوی بازای ایستادگی در برابر آن را نداشته باشد. از این رو باید دید روشنفکری دینی چه جایگاهی در هسته بسیج‌گر توده‌های مردم داشته است.

«هسته بسیج‌گر» و «قدرت بسیج‌گر»

انقلاب اسلامی

رخداد

دوم خرداد

و

روشنفکری دینی



حمیدرضا جلالی‌پور

در چنین شرایطی، در صورتی هسته بسیج‌گر در امر بسیج مردم موفق می‌شود که رکن سوم آن یعنی رهبری فرهمند، (کاریسماتیک)، مردمی و سازش‌ناپذیر در عمل مورد توجه و قبول روشنفکران انقلابی و توده‌های ناراضی مردم قرار بگیرد، تا بتواند نیروهای انقلابی و امواج مردمی را در شرایط سخت مبارزه با رژیم سیاسی، خصوصاً در شرایط سرکوب، بی‌آنکه امتیازات اهدایی رژیم، خللی در اراده وی وارد کند، تا سقوط حکومت

«قدرت اجتماعی» ناشی از بسیج سیاسی مردم چگونه تکوین یافت که «قدرت سیاسی» رژیم یشتین در برابر آن توان ایستادگی نیافت؟

طلاب جوان، شود.

این گفتمان دینی و انقلابی، از یک طرف باعث پذیرش مثبت قشر تحصیلکرده، - که در آن دوران تحت امواج بیگانه کننده شبه مدرنیسم پهلوی قرار داشتند - نسبت به مفاهیم و نهادهای مذهبی شد، و از طرف دیگر پیوستن عده‌ای از روحانیان سیاسی به این گفتمان، که اغلب آنان از شاگردان امام خمینی بوده و از زمان قیام پانزده خرداد چهل و دو در مبارزه علیه رژیم حضوری مستمر داشتند، زمینه بالقوه مساعدی را فراهم آورد تا بخش زیادی از نهادها، سازمانها و امکانات محافل مذهبی، مانند جلسات مذهبی در حسینیه‌ها و مساجد، (به شرط وجود شرایط مساعد سیاسی) در خدمت تبلیغ و بسیج مردم علیه حکومت قرار گیرد.

به بیان دیگر، در شرایطی که در جامعه دوران پهلوی، کلیه نهادهای مستقل از دولت، که می‌بایست در درون جامعه مدنی، خود را سازمان داده و قدرت سیاسی را تحت تأثیر قرار دهند و یا حتی آن را نمایندگی کنند، مرعوب گشته و یا سرکوب شده بودند. لذا در چنین حالتی، بخش سستی جامعه مدنی ایران، یعنی نهادهای مذهبی، به صورت تنها امکان برای عمل سیاسی فعال شد. این دو عامل، یعنی عامل گفتمان انقلابی - دینی، و عامل سازمان، و امکانات بخش مذهبی جامعه مدنی، به همراه شرایط سیاسی مساعدی که در سالهای ۵۶ و ۵۷ فراهم شده بود باعث شد همه مردم به رهبری سازش‌ناپذیر امام خمینی، مرجعی با تقوا و امتحان داده در مبارزه با شاه، بتدریج دل ببندند.

هسته بسیج‌گر این مردم را، همان روشنفکران مسلمان انقلابی (اعم از دانشجویان و روحانیان) تشکیل می‌دادند، که به گفتمان انقلابی مجهز بودند و از امکانات بخش مذهبی جامعه مدنی، که از امکانات دولتی مستقل بود، بهره می‌بردند. و نهایتاً رهبری به وسیله همین هسته توانست با ایجاد وحدت کلمه، در این که شاه باید برود، توده‌های میلیونی را به سمت هدف نهایی که سقوط رژیم بود هدایت کند. به این ترتیب بدون توجه به حضور قشر تحصیلکرده مذهبی، یا روشنفکران توزیع کننده، در هسته بسیج‌گر توده‌ها، تصور پیروزی انقلاب چندان آسان نخواهد بود.

با این همه ظهور روشنفکری دینی در دو دهه چهل و پنجاه به عنوان یکی از عوامل اصلی و زمینه‌ساز انقلاب اسلامی، هنوز محتاج کنکاش بیشتری است. در این دوران شریعتی با تفسیر مذهب شیعه، در یک چارچوب نظری انقلابی، هم از احیای دینی به معنای عام و هم از روشنفکران غیردینی به معنای خاص متمایز می‌شود.

مهمترین دغدغه احیای دینی در هر دوره، حراست از «حقیقت دین» است. حال آنکه مهمترین دغدغه روشنفکری دینی نه فقط ناظر به دفاع از «حقیقت دین» بلکه ناظر به ریشه‌ها، آثار و تبعات زندگی مدرن نیز هست؛ همراه با نقد سنتها و نهادهایی که به غلط در گرداگرد «حقیقت دین» جمع شده‌اند و مانع حضور فعال انسان دیندار در زندگی مدرن می‌شود.

دکتر شریعتی نیز، از یک طرف بخوبی به نقش مکاتب انقلابی و ایدئولوژیهای جدید در زندگی مدرن پی برده بود و تواناییها و بحرانهای این تمدن جدید را می‌شناخت، و از طرف دیگر در جامعه ایران «اسلام» را، - خصوصاً با دفاع از تشیع علوی و طرد تشیع صفوی، به عنوان مکتب و ایدئولوژی رهایی بخش - به تحصیلکرده دیندار ایرانی معرفی می‌کرد (اگرچه امروز همین رویکرد نظری توسط روشنفکران دینی مورد بازبینی قرار گرفته است). و این امر وجه تمایز دیگر میان روشنفکر دینی و غیردینی است.

روشنفکران دینی در این دوره، مثل روشنفکران غیردینی به رویکرد انقلابی و رهایی بخش توده‌ها علیه امپریالیسم و رژیم پهلوی، برای تغییر وضع موجود اعتقاد داشتند اما روشنفکران دینی کوشش می‌کردند که نسبت این رویکرد انقلابی را با دین، که به آن التزام عملی هم داشتند، معلوم کنند، کاری که روشنفکران غیردینی نسبت به آن بیگانه یا بی‌اعتقاد بودند. برای نمونه شریعتی این اصل را درست یا غلط تبیین کرده بود که یک شیعه راستین نباید تشیع را در قالب یک سری سنن بی‌روح و بی‌حرکت

چرا بیست میلیون مردم ایران، در هفتمین دورهٔ انتخابات ریاست جمهوری، آقای خاتمی را بر رقیبش آقای ناطق نوری، رقیبی که مورد حمایت بخشهای کلیدی نظام جمهوری اسلامی بود و رأی دادن به او به مردم توصیه و تبلیغ می‌شد، ترجیح دادند؟

پاسخ به این سؤال اهل تحقیق را نه امروز که در سالهای آتی نیز به خود مشغول خواهد داشت. گو اینکه محققان در آینده برای پاسخ به این سؤال از چارچوبهای نظری رساتر، داده‌های واقعیتر و قضای بی‌طرفانه‌تری برخوردار خواهند بود؛ اما این نارسایی نظری باعث نمی‌شود که محققان به قدر مقدور در پاسخگویی به این سؤال نکوشند و با شناسایی روندهای اصلی در این واقع، امکانات جامعه ایران را برای آینده‌ای بهتر حدس نزنند.

در این مقاله نگارنده قصد ندارد به تشریح عللی که تاکنون در تحلیل پیروزی آقای خاتمی به آنها پرداخته شده است بپردازد. بلکه در پی بررسی چارچوبی است که کمتر به آن اشاره شده؛ و عمدتاً بررسی این مدعا که: برای فهم و تحلیل واقعهٔ دوم خرداد نمی‌توان از عنصر «روشنفکری دینی»، و تحولاتی که از انقلاب تاکنون در درون این عنصر اتفاق افتاده، غفلت کرد. قبل از اینکه به تبیین ادعای مذکور بپردازیم، ضروری است برداشت خود را از روشنفکری و روشنفکری دینی و تفاوت آن را با تحصیلکردگان مذهبی و با روحانیان و همچنین نقش گفتمان روشنفکران را از دیدگاه جامعه‌شناسی روشن کنیم.

روشنفکران، قشری از اقشار اجتماعی هستند، که برخلاف پندار عموم، لزوماً احراز تحصیلات دانشگاهی یا تحصیلات حوزوی معیاری برای تمایز آنان از سایر اقشار نیست؛ بلکه، این توانایی ذهنی و اخلاقی را دارند که از نهادها و الگوهای رایجی که عمدتاً افراد جامعه به آن خو گرفته‌اند فاصله گرفته و آن را مورد ارزیابی و نقد قرار دهند؛ و این حساسیت نسبت به وضع جامعه، تنها در نقد خلاصه نمی‌شود؛ بلکه معمولاً خواستار تغییر اوضاع جاری‌اند.

مهمترین ابزار روشنفکران برای تغییر وضع موجود، ارائه مفاهیم و تئوریهای جدید دربارهٔ انسان، جامعه و تاریخ در دوران جدید است؛ برای روشنفکران در مقام تئوری‌پردازی «منبع عقل» و دستاوردهای آن (یعنی علم و فلسفه) در مقایسه با «منبع وحی و سُنّت»، به صورت منبعی «خود اتکا» تلقی می‌شود؛ آنها در هنگام نقد وضع موجود جامعه، تابع حقیقت‌اند و از قدرتهای با نفوذ، اعم از قدرت سیاسی، معنوی و اقتصادی، واهمه‌ای ندارند؛ جدای از خردورزی، از دیدگاه ارزشی، آنها مروج سه ارزش آزادی، عدالت و ترقی‌اند؛ و اگر در کنار این ویژگیها، آنها در جامعهٔ متحول جدید، درد و دغدغهٔ دینی هم داشته باشند از آنان به‌عنوان روشنفکران دینی یاد می‌شود.

به همین منظور ابتدا به بررسی نقش و مشخصات روشنفکری دینی در جریان انقلاب اسلامی می‌پردازیم و سپس تحول این پدیده را در سالهای اخیر و در ارتباط با پدیده دوم خرداد مورد کنکاش قرار می‌دهیم.

انقلاب اسلامی

یکی از سؤالات جامعه‌شناختی که در برابر انقلاب اسلامی بهمن پنجاه و هفت قرار دارد این است که چه قدرتی در جامعه ایران باعث فروپاشی قدرت سیاسی پهلوی شد؟ یا چرا، در شرایطی که سه پایهٔ اصلی قدرت دولت پهلوی (دستگاه نظامی - امنیتی، دستگاه دیوانسالاری، و دستگاه تبلیغاتی و ایدئولوژیک) ظاهری استوار داشت نتوانست در روند بسیج میلیونی توده‌ها، که خواستار سرنگونی رژیم پهلوی بودند، خللی وارد کند؟

به بیان دیگر سؤال اصلی این است که «قدرت اجتماعی» ناشی از بسیج سیاسی مردم چگونه تکوین یافت که «قدرت سیاسی» پهلوی در برابر آن توان ایستادگی نیافت؟

در یک پاسخ اجمالی به این سؤال می‌توان گفت: رابطهٔ متقابل و تقارن مناسب ساختار اجتماعی و گفتمانهای سیاسی - مذهبی در جامعه ایران و همچنین جریان رویدادها در سالهای ۵۷ - ۵۶ شرایطی را به وجود آورد تا «هستهٔ بسیج‌گر» توده‌ها خارج از حوزهٔ نفوذ مؤسسات دولتی، شکل بگیرد. و این هسته بتواند با بسیج توده‌های میلیونی آن چنان قدرت اجتماعی‌ای را تشکیل دهد که قدرت سیاسی رژیم پهلوی یارای ایستادگی در برابر آن را نداشته باشد. از این رو باید دید روشنفکری دینی چه جایگاهی در هستهٔ بسیج‌گر توده‌های مردم داشته است.

از دیدگاه جامعه‌شناختی «هسته بسیج‌گر» وقتی می‌تواند در بسیج توده‌ها موفق شود که حداقل سه رکن اصلی آن تکوین یافته باشد:

اول این که یک گفتمان و ایدئولوژی انقلابی بین روشنفکران جامعه شکل گرفته باشد. در پناه همین گفتمان انقلابی است که روشنفکران مؤد، توسط روشنفکران توزیع کننده، گروهها و اقشار اجتماعی را از سالهای قبل از وقوع انقلاب، برای تغییر وضع موجود آماده می‌کنند و با قدرت سیاسی وارد چالش می‌شوند. اما این چالش آنها، لزوماً به بسیج توده‌ها و انقلابی مردمی منجر نمی‌شود، چون برای این منظور روشنفکران انقلابی به سازمانها، نهادها و زبان مردمی و منابع مادی آنها، در مواجهه با دستگاه حکومتی نیازمندند.

لذا دومین رکن هستهٔ بسیج‌گر، همین نهادها و منابع مردمی است. به رغم تمهیدات مردمی، قدرت سیاسی دولت به‌احتی اجازهٔ بسیج توده‌ها توسط انقلابیون را نمی‌دهد و کوشش می‌کند آنها را سرکوب کند یا سران آن را به سازش بکشد.

کثرت‌گرایی و جامعه مدنی

«کلی‌نگری» بر دوران تجددگرایی با شکبست مواجه شد. کلی‌نگری‌هایی چون مفهوم عقل دکارتی یا اخلاق کانتی که در اصل عقل یا اخلاق تردید روا نمی‌دارند، اما امکان



اندیشه و عمل از سوی دیگر می‌شود. ملازمت قائل شدن میان کل‌نگری و سلطه‌گری منشأ بروز بحث کثرت و کثرت‌گرایی شده است. نقطه مقابل کلی‌نگری، جزئی‌نگری است. کثرت‌گرایی با اعراض از کلی‌نگری و نگرش به جامعه از زاویه جزئی‌نگری می‌کوشد تا دشواریهای حاصله در جامعه مدنی را از میان بردارد.

در دیدگاه کل‌نگری، جامعه موجودیتی واحد و یکپارچه دارد، اما از دید جزئی‌نگری جامعه چون یک گفتمان است که درعین یکپارچگی، مستکثر نیز هست. دریدا، که اهمیت به سزایی برای کثرت قائل است می‌گوید که تأکید بر حضور و آگاهی در سنت مابعدالطبیعه غرب منتج به نادیده

تعابیر مختلف در باب آنها را نادیده می‌گیرند. دیدگاه مابعد تجدد بر آن است که قبول چنین ماهیتهای کلی و فراخواندن همگان به پیروی از آنها، منجر به نادیده گرفتن تفاوتها از سویی و استیلای شیوه واحدی از

خسرو باقری

کثرت‌گرایی به تفاوتها و گوناگونی‌ها توجه دارد و تحرک

جزئی‌نگری و کثرت‌گرایی نام‌وتمام نیز خود گونه‌ای از مطلق‌گرایی است و مطلق‌گرایی کثرت‌گرا نیز همچون مطلق‌گرایی وحدت‌گرا مانع تفکر و نقادی است



حمیدرضا جلالی‌پور

در چنین شرایطی، در صورتی هستهٔ بسیج‌گر در امر بسیج مردم موفق می‌شود که رکن سوم آن یعنی رهبری فراهمند. (کاریسماتیک)، مردمی و سازش‌ناپذیر در عمل مورد توجه و قبول روشنفکران انقلابی و توده‌های ناراضی مردم قرار بگیرد، تا بتواند نیروهای انقلابی و امواج مردمی را در شرایط سخت مبارزه با رژیم سیاسی، خصوصاً در شرایط سرکوب، بی‌آنکه امتیازات اهدایی رژیم، خللی در ارادهٔ وی وارد کند، تا سقوط حکومت رهبری کند.

در مورد ایران و در جریان انقلاب اسلامی، چنین هسته‌ای با چنین مشخصاتی شکل گرفت. در دههٔ چهل و پنجاه در میان روشنفکران، گفتمان انقلابی، یکی از گفتمانهای غالب بود. این روشنفکران به گفتمانهای انقلابی یا: مبارزه مسلحانهٔ آزادیبخش ملت‌های محروم علیه امپریالیسم آمریکا، که سیادت داخلی آن در ایران توسط رژیم پهلوی برقرار شده بود، اعتقاد داشتند. در چنین فضای ایدئولوژیک، روشنفکری دینی نیز از غافله عقب نماند و در دهه پنجاه توانست گفتمان انقلابی و دینی خود را به گفتمانی غالب در میان تحصیلکردگان مذهبی تبدیل کند.

در همین راستا نزدیک یک دهه، دکتر شریعتی در نقش یک روشنفکر دیندار و تولیدکنندهٔ مفاهیم جدید انقلابی و دینی ظاهر شد. او با هنرمندی خاصی توانست در چارچوب یک تئوری انقلابی، مفاهیم و سنتهای اسلامی، خصوصاً شیعه را بازخوانی کند و معوف «تشیع سرخ» به عنوان یک مکتب‌رهایی بخش درمیان اقشار تحصیلکردهٔ مذهبی، خصوصاً دانشجویان و

البسته به یک معنا نقد در کثرت‌گرایی امکان‌پذیر است و آن در صورتی است که نقد، محدود به نقد درونی شود.

نقد بیرونی فرد یا فرهنگی نسبت به فرد یا فرهنگ دیگر امکان‌پذیر نیست، زیرا رابطه آنها بر کثرت و غیریت استوار است و ضابطهٔ مشترکی وجود ندارد. سوم، کثرت‌گرایی تام‌وتمام نه تنها نقد، بلکه در واقع امکان گفتگو میان فرهنگها، خرده فرهنگها و حتی افراد را نیز از میان می‌برد.

از آنجا که گفتگو و نقادی از مهمترین شیوه‌های پی‌ریزی و قسوام‌یابی جامعه مدنی است، کثرت‌گرایی با نفی امکان گفتگو و نقادی، عملاً مانعی بر سر راه جامعه مدنی خواهدشد. شکل مطلوب کثرت‌گرایی: کثرت‌گرایی روشی است که تنوع و گونه‌گونی را چندان اصیل و بنیادی

نمی‌داند که منجر به تباین میان دنیاهای افراد، فرهنگها یا نظریه‌های علمی شود، بلکه قبول کثرت به منزلهٔ روش و شیوهٔ مناسبی برای دست‌یافتن به حقیقت و خیر تلقی می‌شود. سه ویژگی این کثرت‌گرایی عبارتند از:

۱- ملازمت تفاوت و اشتراک؛ ۲- کثرت به نحو روش شناختی، موقت نگرسته می‌شود؛ ۳- کثرت علی‌الاصول کاهش‌پذیر است، زیرا می‌توان بسیاری از تفاوتها را کنار گذاشت. از این نوع کثرت‌گرایی می‌توان به گفتگو رو آورد که با نقد همراه است و هدفی فراتر از فهم یکدیگر را در پی می‌آورد، زیرا از خلال تصحیح متقابل، امکان رشد را فراهم می‌آورد. همچنین گفتگویی که با وفاق همراه است، هدفی فراتر از استقلال فردی را جستجو می‌کند و

بیشتری است. در این دوران شریعتی با تفسیر مذهب شیعه، در یک چارچوب نظری انقلابی، هم از احیاگران دینی به معنای عام و هم از روشنفکران غیردینی به معنای خاص متمایز می‌شود.

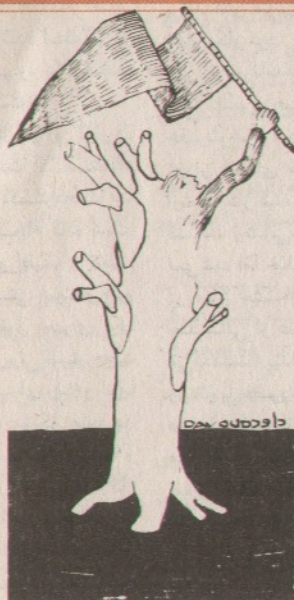
مهمترین دغدغهٔ احیاگران دینی در هر دوره، حراست از «حقیقت دین» است. حال آنکه مهمترین دغدغهٔ روشنفکری دینی نه فقط ناظر به دفاع از «حقیقت دین» بلکه ناظر به ریشه‌ها، آثار و تبعات زندگی مدرن نیز هست؛ همراه با نقد سنتها و نهادهایی که به غلط در گرداگرد «حقیقت دین» جمع شده‌اند و مانع حضور فعال انسان دیندار در زندگی مدرن می‌شود.

دکتر شریعتی نیز، از یک طرف بخوبی به نقش مکاتب انقلابی و ایدئولوژیهای جدید در زندگی مدرن پی‌برده بود و تواناییها و بحرانهای این تمدن جدید را می‌شناخت، واز طرف دیگر در جامعه ایران «اسلام» را، - خصوصاً با دفاع از تشیع علوی و طرد تشیع صفوی، به عنوان مکتب و ایدئولوژی رهایی‌بخش - به تحصیلکردهٔ دیندار ایرانی معرفی می‌کرد (اگرچه امروز همین رویکرد نظری توسط روشنفکران دینی مورد بازبینی قرار گرفته است). و این امر وجه تمایزی دیگر میان روشنفکر دینی و غیردینی است.

روشنفکران دینی در این دوره، مثل روشنفکران غیردینی به رویکرد انقلابی و رهایی‌بخش توده‌ها علیه امپریالیسم و رژیم پهلوی، برای تغییر وضع موجود اعتقاد داشتند اما روشنفکران دینی کوشش می‌کردند که نسبت این رویکرد انقلابی را با دین، که به آن التزام عملی هم داشتند، معلوم کنند، کاری که روشنفکران غیردینی نسبت به آن بیگانه یا بی‌اعتقاد بودند.

برای نمونه شریعتی این اصل را درست یا غلط تبیین کرده بود که یک شیعه راستین نباید تشیع را در قالب یک سری سنن بی‌روح و بی‌تحرك بفهمد بلکه باید آن را در قالب یک ایدئولوژی رهایی‌بخش درک کند. لذا برای یک شیعه انقلابی، لازم نیست شخصیت‌های انقلابی مکاتب غیرمذهبی مانند چگوارا یا فیدل کاسترو را الگویی خود قرار دهد بلکه می‌تواند مبارزان صدر اسلام همچون امام علی‌ع، امام حسین‌ع، اباذر، فاطمه و زینب‌س را، که در فرهنگ و سنن ایرانی جای منبعی دارند، الگو قرار دهد.

از نظر شریعتی، در یک وضعیت ایده‌آل یک شیعه علوی در نهایت باید یا حسینی باشد و در راه عقیده‌اش شهید شود و یا زینبی باشد و پیام‌سان خون شهید شود. وگرنه یزیدی و طاغوتی است. به این گونه بود که شریعتی توانست، در دوران انقلابی‌گری در ایران و تعداد زیادی از کشورهای جهان سوم، با معرفی اسلام انقلابی، مشوق قشر وسیعی از تحصیلکردگان مذهبی باشد. این قشر وسیع، - که می‌توان از آن به قشر روشنفکر توزیع کنندهٔ آرای انقلابی - اسلامی یاد کرد -، در اغلب دانشگاهها، تعداد زیادی از دبیرستانها، پاره‌ای از مساجد و محافل مذهبی نقش کلیدی و پیشرو در هستهٔ بسیج‌گر انقلاب اسلامی داشتند.



□ خلاصه مقاله عرضه شده به همایش تحقّق جامعه مدنی در انقلاب اسلامی

کاستن از فردیت‌جویی برای پدید آوردن همبستگی را در چشم‌انداز قرار می‌دهد.



عراق

مرتضی کاظمیان

راه حلی برای امروز سناریویی برای آینده



عس ارشیو

جنایتکاران محاکمه می شوند؟

گفت: «ما می‌بایست بردشواریهایی زیادی از جمله تشکیل یک گروه چند ملیتی از وکلا برای ادغام قوانین جزایی آنگلوساکسون و قوانین مدنی و نیز بر فقدان مواردی از این دست محاکمات برای استفاده به عنوان الگو فائق می‌آمدیم».

هنوز موانعی جدی در راه اقدامات این دادگاه وجود دارد. عدم تمایل دولتهای کرواسی، بوسنی و صربستان به تحویل متهمان، هراس آشکار برای ادای شهادت در دادگاه، به‌خاطر انتقام‌جویی‌های احتمالی، عدم حمایت کشورهای عضو پیمان ناتو از اقدامات دادگاه لاهه، و مخالفت وزیر دفاع فرانسه با ادای شهادت توسط افسران فرانسوی عضو نیروهای پاسدار صلح سازمان ملل متحد در دادگاه، بخشی از این موانع به شمار می‌آید.

در حالیکه میلیون‌ها انسان بیگناه در عراق در انتظار یورش سهمگین و بیرحمانه نیروهای تا دندان مسلح به سلاحهای فوق‌پیشرفته آمریکا به‌سر می‌برند، جهان غرب و حامیان آن باردیگر به نظاره نشسته‌اند؛ اما این بار و به‌طور قطع دادگاهی برای محاکمه کسانی که در کابین هواپیماهای جنگی نشسته‌اند و فقط دکمه‌ها را فشار می‌دهند، تشکیل نخواهد شد.

در ۲۲ ژانویه همین سال، «گوران جلیسپیک» از فرماندهان سابق اردوگاه اسرای جنگی و متهم به قتل در جریان برگزاری تظاهرات طرفداران رادوان کارادزیچ رئیس‌جمهوری پیشین جمهوری صرب‌نشین بوسنی از سوی نیروهای ناتو دستگیر شد. در این تظاهرات به انتخاب یک دولت صرب که ایجاد یکپارچگی قومی را در دستور کار داشت اعتراض شده بود.

با این توقیف شمار افراد دستگیر شده ظرف ۷ ماه به ۳ تن رسید. در حال حاضر ۲۰ نفر در توقیف به‌سر می‌برند و ۷۴ نفر به‌صورت علنی و تعداد نامشخصی به‌صورت محرمانه در مظان اتهام قرار گرفته‌اند. سازمان ملل بودجه دادگاه را تا ۳۰ درصد یعنی ۶۴ میلیون دلار افزایش داده و قرار است تا پایان سال جاری چهار یا ۵ محاکمه دیگر نیز انجام شود. به گفته خانم «مک دونالد» از قضات سابق فدرال آمریکا، روند محاکمات باید از حشو و زوائد عاری شده و سازمان ملل متحد قضات بیشتری را برای تقویت هیأت نظارت بر محاکمات منصوب کند. وی با رد انتقادات موجود در مورد ائتلاف زمان و هزینه در طی این ۴ سال

جدا شد و جلادان بر بالای اجساد آنها با لبخند عکس گرفتند. ابرقدرتها و جهانیان نشستند و نظاره کردند و کشتارها تا جایی ادامه یافت که عطش سیری‌ناپذیر صربهای جنایتکار سیراب شد. با این حال، در سال ۱۹۹۳ شورای امنیت سازمان ملل متحد دستور تشکیل دادگاه رسیدگی به جنایتهای جنگی بوسنی و هرزگوین در لاهه هلند را صادر کرد که اولین دادگاه بعد از دادگاههای نورنبرگ و توکیو و پس از جنگ جهانی دوم به‌شمار می‌آید. برخی این اقدام شورای امنیت را در ابتدا تلاشی جسورانه و ارزشمند در جهت اعمال قوانین بین‌المللی درخصوص جنگ و جنایتهای جنگی تلقی کردند و عده‌ای از دیدی دیگر، به‌عنوان یک قرص مسکن به آن نگرستند که برای وجدان نادم کشورهای غربی تجویز شده بود. کشورهایی که با محافظه‌کاری هرچه تمامتر از مداخله جهت پایان قتل‌عام در بوسنی و هرزگوین خودداری کردند. اما طی چهار سال پس از تشکیل این دادگاه و بعد از صرف هزینه‌ای معادل ۱۲۰ میلیون دلار، از خیل جنایتکاران صرب تاکنون فقط یک نفر محاکمه شده و ۷ نفر نیز در بازداشت به‌سر می‌برند.

تشکیل دادگاههای بین‌المللی برای محاکمه جنایتکاران جنگی چیز تازه‌ای نیست. ۵۰ سال پیش مدعیان ساختن یک دنیای بهتر که از وحشیگریهای جنگ جهانی دوم تکان خورده بودند گردهم آمدند و با تصویب قطعنامه‌ها و کنوانسیونهای گوناگون کشتار مردم بی‌دفاع در جریان جنگ را یک جنایت قابل پیگیری در دادگاههای بین‌المللی خواندند. اما متأسفانه در این ۵۰ سال و پس از تشکیل دادگاههای «نورنبرگ» و ژاپن، دیگر مواردی از عمل به قطعنامه‌ها و کنوانسیونها دیده نشد. همین بی‌تفاوتیها و سستیها به ادامه جنایات و کشتار زنان و کودکان بیگناه در طی جنگهای تجاوزکارانه بعدی منجر شد. صدها هزار نفر در جریان درگیریهای قومی و نژادی رواندا به قتل رسیدند. در سال ۱۹۹۴ دادگاهی برای محاکمه عاملان این قتل‌عام‌ها تشکیل شد اما با غفلت و سستی سازمان ملل متحد و بی‌تفاوتی رسانه‌های گروهی نتوانست در راه انجام وظایف خود گامی بردارد و حتی یک جلسه محاکمه هم تشکیل نشد.

قتل‌عام در بوسنی و هرزگوین حادثه‌ای به مراتب اسف‌بارتر بود. هزاران کودک با سیم سر از بدنشان

عنوان دومین مخاطب سیاست مهار دوگانه ممکن است هدف سلطه‌جویی‌ها و یک‌ه‌تازیهای آمریکا در منطقه قرار گیرد.

به دیگر سخن، دولت آمریکا باید مخاطب واکنش صریح، قاطع و صلابت‌ه انساندوستانه دولتمردان ایران قرار گیرد، ضمن اینکه این خطاب بر حدود ملی و تعریف‌شده کشورها و مورد توافق جامعه بین‌الملل، تأکید می‌ورزد و هرگونه تجاوز و اهانت به کشورها را با اعتراض و مخالفت جدی صراحتاً نفی می‌نماید.

به‌رغم تمامی مشکلات و مصائب چندساله اخیر، خود را قدرت بلامنازع می‌خواند.

قصد آمریکا تحقیر تلقی مردمی است که تبلیغات «صدام» کاخهای ریاست جمهوری را برای ایشان فتح‌ناشدنی جلوه داده است. (پ) فراتر از موضعگیری‌های صحیح به عمل آمده از سوی مقامات سیاسی و نظامی جمهوری اسلامی ایران، ضرورت محکومیت صریح هرگونه تجاوز نظامی به عراق احساس می‌شود. خصوصاً که در مرحله بعد جمهوری اسلامی به

رژیم عراق، اکنون ملتهب‌تر از همیشه درصدد کاوش کاخهای ریاست جمهوری عراق برای دستیابی به سلاحهای اتمی است، آن هم در وضعیتی که انبارها و مراکز تجمع تسلیحات اتمی کشورهای نظیر اسرائیل به دور از هرگونه نظارتی، فعال و آماده نگاه داشته شده‌اند.

(ب) در این هجوم آنچه در کنار تضعیف نظامی عراق و تسریع اضمحلال و سقوط رژیم صدام مطرح است، تحقیر و تخفیف دولتی مدنظر است که در داخل کشور و

گروه سیاسی - زمان سرعت به نفع «ستیزه‌جویان» درگذر است. علی‌رغم عقب‌نشینی رئیس‌جمهوری عراق برای بازدید بدون قیدوشرط از هر کجای سرزمین محنت‌زده عراق - و صلابت کاخها - (و به شرط لغو تحریم‌های اقتصادی) تیم متشکل از آمریکا، انگلستان (و آلمان) با لحنی تندتر از روزهای پیشین، افکار عمومی منطقه و جهان را مهبای تجاوزی جدید می‌کنند و به تجهیز و افزایش توان تسلیحاتی خود در منطقه مشغولند.

این رخداد در موقعیتی شکل می‌گیرد که با روی کارآمدن سیدمحمد خاتمی و طرح سیاست تنش‌زدایی او در روابط خارجی، هرگونه جهتگیری و مواجهه دولتمردان ایران با این حادثه در حال تکوین، با دقت بیشتری مورد بررسی محافل سیاسی داخلی و خارجی قرار خواهد گرفت.

در این خصوص باید توجه داشت که صرف نظر از حضور خودکامانه صدام‌حسین در صدر رژیم بعث عراق و صدمات غیرقابل انکاری که مردم این کشور از ناحیه سوءمدیریتها و تصمیمات فردی و به دور از حزم و دوراندیشی حاکمیت عراق متحمل می‌شوند، توجه به موارد زیر قابل تأمل به نظر می‌رسد:

الف) آمریکا در راستای سیاست مهار دوگانه و سعی در تضعیف و اضمحلال تدریجی حاکمیت عراق، برای اثبات وجود بدون رقیب خویش و در برابر ایستادگی، پافشاری و یکدندگی‌های صورت‌گرفته از سوی

گزارش CNN از برنامه صدام در دو جبهه

در گزارش تصویری از بغداد با اشاره به برتری فنی جنگ‌افزارهای ارتشهای آمریکا و انگلیس گفت: صدام نیز برگهای برنده‌ای در دست دارد.

C. N. N تصاویری از آموزش نظامی و قدمرو شهروندان عراقی در یک زمین چمن در شهر بغداد پخش کرد. یک زن جوان عراقی در گفتگو با خبرنگار C. N. N گفت: «نیروهای ما برای پیکار با کلینتون آماده‌اند».

بنابه این گزارش صدام همزمان دو خط‌مشی جداگانه را دنبال می‌کند. از یکسو برای تشکیل یک گروه فشار و جلوگیری از یورش به عراق تلاش می‌کند و از سوی دیگر بر آن است که نیرویی یک میلیون نفری از غیرنظامیان را آموزشهای

نظامی داده و برای نبرد، آماده کند. در همین حال، سعید محمدالصالح وزیر خارجه عراق سفر خود به اردن، سوریه و مصر را آغاز کرد که بخشی از تلاش بغداد برای نیرومند ساختن روابط برادرانه با کشورهای عربی است که با یورش آمریکا مخالفند یا هنوز در این زمینه موضع‌گیری نکرده‌اند به‌شمار می‌رود.

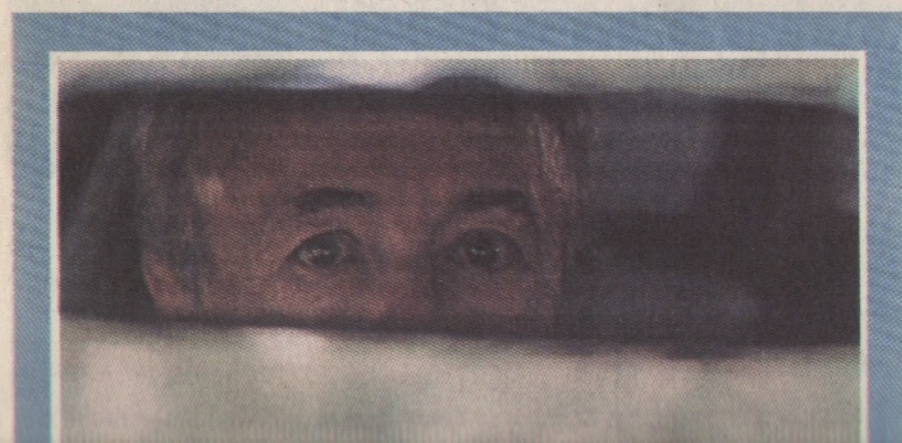
معاون رئیس‌جمهوری عراق در بخشی از این گزارش گفت: رهبر، ارتش و مردم عراق در برابر هیچکس جز خداوند پناه‌ناور در نخواهند آمد، مشاور صدام نیز در نشستی خبری تأکید کرد: «به باور ما رفتن بازرسان (آنسکام) به داخل کاخهای ریاست جمهوری در جستجوی جنگ‌افزارهای ممنوع بی‌معنی است و می‌توان نگرانیهای

بازرسان سازمان ملل را از راههای فنی از میان برداشت». به گزارش C. N. N واشنگتن مخالفت خود را با پیشنهاد بغداد در زمینه تعیین مهلتی دوماهه برای بازرسی هشت مکان مشکوک ازجمله چندین کاخ ریاست جمهوری عراق، در صورتی که یک هیأت جدید بازرسان شورای امنیت به معاونت ریچارد باتلر رئیس کمیسیون خلع سلاح سازمان ملل، بازرسان عادی آنسکام را همراهی کند مخالفت کرد.

استعفای ترپتروسیان

پس از استعفای رئیس‌جمهوری انتخابات برگزار کند، و این زمان کمی است. نخست‌وزیر ارمنستان ربرت کوچاریان که هفته گذشته به‌عنوان رئیس‌جمهوری موقت زمام امور را در دست گرفت می‌گوید: خواستار حل مسالمت‌آمیز مناقشه ارضی با آذربایجان است، اما نه براساس شرایطی که دولت سابق آماده پذیرش آن بود.

شش سال و نیم پیش لئون ترپتروسیان، نخستین رئیس‌جمهوری بود که پس از سقوط شوروی در انتخاباتی آزاد در ارمنستان روی کار آمد و در آن موقع امیدهای زیادی در میان مردم این کشور برانگیخته شد. استعفای او ضربه‌ای است به دموکراسی در سرزمین‌هایی که پس از جدایی از روسیه به استقلال رسیدند. وقتی رژیم شوروی از هم



توهین

به گفته بعضی از مقامات،

در این خصوص باید توجه داشت که صرف نظر از حضور خودکامانهٔ صدام حسین در صدر رژیم بعث عراق و صدمات غیرقابل انکاری که مردم این کشور از ناحیه سوءمدیریتها و تصمیمات فردی و به دور از حزم و دوراندیشی حاکمیت عراق متحمل می‌شوند، توجه به موارد زیر قابل تأمل به نظر می‌رسد:

الف) آمریکا در راستای سیاست مهار دوگانه و سعی در تضعیف و اضمحلال تدریجی حاکمیت عراق، برای اثبات وجود بدون رقیب خویش و در برابر ایستادگی، پساقتاری و یکپندگی‌های صورت‌گرفته از سوی

برنده‌ای در دست دارد.

C. N. N تصاویری از آموزش نظامی و قدمرو شهروندان عراقی در یک زمین چمن در شهر بغداد پخش کرد. یک زن جوان عراقی در گفتگو با خبرنگار C. N. N گفت: «نیروهای ما برای پیکار با کلینتون آماده‌اند».

بنابه این گزارش صدام همزمان دو خط‌مشی جداگانه را دنبال می‌کند. از یکسو برای تشکیل یک گروه فشار و جلوگیری از یورش به عراق تلاش می‌کند و از سوی دیگر بر آن است که نیرویی یک میلیون نفری از غیرنظامیان را آموزشهای

آغاز کرد که بخشی از تلاش بغداد برای نیرومند ساختن روابط برادرانه با کشورهای عربی است که با یورش آمریکا مخالفند یا هنوز در این زمینه موضع‌گیری نکرده‌اند به‌شمار می‌رود.

معاون رئیس‌جمهوری عراق در بخشی از این گزارش گفت: رهبر، ارتش و مردم عراق در برابر هیچکس جز خداوند به‌زانو در نخواهند آمد، مشاور صدام نیز در نشستی خبری تأکید کرد: «به باور ما رفتن بازرسان (آنسکام) به داخل کاخهای ریاست جمهوری در جستجوی جنگ‌افزارهای ممنوع بی‌معنی است و می‌توان نگرانیهای



رفتار کاوچرانها

عکس ارشیو

یک آمریکایی عضو هیأت بازرسان کمیسیون ویژهٔ سازمان ملل، در آخرین روزی که در عراق بود، هنگامی که به دستور دولت اخراج شد، نعره می‌کشید که: «من بازخواهم گشت».

رفتار می‌کرده‌اند.

با این همه مقامهای عراقی بیش از آنکه از رفتار توهین‌آمیز بازرسان آمریکایی آزرده باشند، از حضور این بازرسان در گروههای نظارت بر خلع‌سلاح ناخشنودند. به گفته طارق عزیز معاون نخست‌وزیر عراق: «مهم نیست چه‌اندازه از جنگ‌افزارهای ممنوع دولت عراق نابود شوند، دولت آمریکا بارها به‌روشنی و بی‌رودریاستی گفته تا دگرگونی هیأت رهبری عراق، به لغو تحریمهای اقتصادی عراق رضایت نخواهد داد». اکنون اگرچه عراق گفته است که بازرسان آمریکایی اخراجی می‌توانند برای ادامه کار خود به عراق بازگردند، رئیس

زمینه تعیین مهلتی دوماهه برای بازرسی هشت مکان مشکوک ازجمله چندین کاخ ریاست جمهوری عراق، در صورتی که یک هیأت جدید بازرسان شورای امنیت به معاونت ریچارد باتلر رئیس کمیسیون خلع‌سلاح سازمان ملل، بازرسان عادی آنسکام را همراهی کند مخالفت کرد.

استعفای ترپتروسیان

شش سال و نیم پیش لئون ترپتروسیان، نخستین رئیس‌جمهوری بود که پس از سقوط شوروی در انتخاباتی آزاد در ارمنستان روی کار آمد و در آن موقع امیدهای زیادی در میان مردم این کشور برانگیخته شد. استعفای او ضربه‌ای است به دموکراسی در سرزمین‌هایی که پس از جدایی از روسیه به استقلال رسیدند.

وقتی رژیم شوروی از هم پاشید، ترپتروسیان از افراد نادری بود که قبل‌اکمونیست نبود. وقتی در ۱۹۹۱ به ریاست جمهوری رسید، برنامهٔ خصوصی کردن زمینها را به اجرا گذاشت، گروههای مسلح غیردولتی را خلع سلاح کرد و راه اصلاحات اقتصاد بازار را هموار ساخت. اما مشکلات دوران گذار و مشکلات ویژهٔ ارمنستان تعادل موجود در کشور را مختل کرد و سبب شد که از تعداد طرفداران او کاسته شود. از طرفی تلاش او برای مصالحه با کشور همسایه‌اش، آذربایجان، نیز احساسات تعصب‌آمیز را برانگیخت و این نیز به محبوبیت او لطمه زد.

از اینجا ترپتروسیان مجبور شد که از سرعت برنامه‌های اصلاحات اقتصادی خود بکاهد.

ارمنستان تا هنگامی که در حالت جنگ سرد با همسایگان خود به سر برد، امید چندانی به پیشرفت نخواهد داشت. این نکته‌ای بود که ترپتروسیان درک می‌کرد که این کشور که نه راه به دریا دارد و نه منابع طبیعی مهمی مانند نفت، فقط در صورت برقراری صلح و همزیستی در منطقه خواهد توانست به رفاه و پیشرفت برسد. با استعفای او راه رقابت‌های قدیمی در میان کسانی که برای سازش آسادی چندانی ندارند هموار می‌شود.

آمریکا بی‌درنگ پس از سقوط شوروی در منطقهٔ اطراف دریای خزر به فعالیت پرداخت تا در تحولات اوضاع نفوذ بگذارد. به موجب قانون اساسی ارمنستان، این کشور باید تا ۴۰ روز

بسی تفاوتی رسانه‌های گروهی نتوانست در راه انجام وظایف خود گامی بردارد و حتی یک جلسه محاکمه هم تشکیل نشد.

قتل‌عام در بوسنی و هرزگوین حادثه‌ای به مراتب اسفبارتر بود. هزاران کودک با سیم سر از بدنشان بازداشت به‌سر می‌برند.

پس از استعفای رئیس‌جمهوری انتخابات برگزار کند، و این زمان کمی است. نخست‌وزیر ارمنستان ربرت کوچاریان که هفته گذشته به‌عنوان رئیس‌جمهوری موقت زمام امور را در دست گرفت می‌گوید: خواستار حلٔ مسالمت‌آمیز مناقشه ارضی با آذربایجان است، اما نه براساس شرایطی که دولت سابق آماده پذیرش آن بود.

وی اضافه می‌کند که انتظار دارد مذاکرات گروه مینسک بر سر یافتن راه‌حلی مسالمت‌آمیز برای مناقشه قره‌باغ ادامه یابد. گروه مینسک از کشورهای آمریکا، روسیه و فرانسه که ارمنستان را برای به‌رسمیت شناختن حاکمیت آذربایجان بر منطقه قره‌باغ تحت فشار قرار داده‌اند تشکیل می‌شود.

به گفته یکی از مقامهای آمریکایی، کوچاریان به اندازه ترپتروسیان مایل به پذیرش مصالحه بر سر مناقشه قره‌باغ نیست اما او مردی جدی و باهوش است و به مسئله آگاهی کامل دارد.

مقام آمریکایی در ادامه افزود که انتخابات ویژه ریاست جمهوری ارمنستان که قرار است در ۱۶ مارس انجام شود لاقال تا حدودی یک همه‌پرسی در مورد مسئله قره‌باغ به‌شمار می‌آید، زیرا کوچاریان اعلام کرده که قصد دارد به‌عنوان نامزد در انتخابات شرکت کند.

در قانون اساسی ارمنستان تصریح شده که نامزد احراز پست ریاست جمهوری باید به‌مدت ده‌سال تابعیت این جمهوری را داشته و در ده سال گذشته در ارمنستان اقامت گزیده باشد.

کوجاریان واجد چنین شرایطی نیست اما می‌گوید: وکلا با استناد به یکی از مواد مندرج در اعلامیه استقلال سال ۱۹۹۱ ارمنستان از اتحاد جماهیر شوروی، وی را از لحاظ قانونی مجاز به شرکت در انتخابات دانسته‌اند.

تنها نامزد مردمی و محقٔ انتخابات

بوسنی و هرزگوین خودداری کردند اما طی چهار سال پس از تشکیل این دادگاه و بعد از صرف هزینه‌ای معادل ۱۲۰ میلیون دلار، از خیل جنایتکاران صرب تاکنون فقط یک نفر محاکمه شده و ۷ نفر نیز در بازداشت به‌سر می‌برند.

پس از استعفای رئیس‌جمهوری انتخابات برگزار کند، و این زمان کمی است. نخست‌وزیر ارمنستان ربرت کوچاریان که هفته گذشته به‌عنوان رئیس‌جمهوری موقت زمام امور را در دست گرفت می‌گوید: خواستار حلٔ مسالمت‌آمیز مناقشه ارضی با آذربایجان است، اما نه براساس شرایطی که دولت سابق آماده پذیرش آن بود.

وی اضافه می‌کند که انتظار دارد مذاکرات گروه مینسک بر سر یافتن راه‌حلی مسالمت‌آمیز برای مناقشه قره‌باغ ادامه یابد. گروه مینسک از کشورهای آمریکا، روسیه و فرانسه که ارمنستان را برای به‌رسمیت شناختن حاکمیت آذربایجان بر منطقه قره‌باغ تحت فشار قرار داده‌اند تشکیل می‌شود.

به گفته یکی از مقامهای آمریکایی، کوچاریان به اندازه ترپتروسیان مایل به پذیرش مصالحه بر سر مناقشه قره‌باغ نیست اما او مردی جدی و باهوش است و به مسئله آگاهی کامل دارد.

مقام آمریکایی در ادامه افزود که انتخابات ویژه ریاست جمهوری ارمنستان که قرار است در ۱۶ مارس انجام شود لاقال تا حدودی یک همه‌پرسی در مورد مسئله قره‌باغ به‌شمار می‌آید، زیرا کوچاریان اعلام کرده که قصد دارد به‌عنوان نامزد در انتخابات شرکت کند.

در قانون اساسی ارمنستان تصریح شده که نامزد احراز پست ریاست جمهوری باید به‌مدت ده‌سال تابعیت این جمهوری را داشته و در ده سال گذشته در ارمنستان اقامت گزیده باشد.

کوجاریان واجد چنین شرایطی نیست اما می‌گوید: وکلا با استناد به یکی از مواد مندرج در اعلامیه استقلال سال ۱۹۹۱ ارمنستان از اتحاد جماهیر شوروی، وی را از لحاظ قانونی مجاز به شرکت در انتخابات دانسته‌اند.

تنها نامزد مردمی و محقٔ انتخابات

بوسنی و هرزگوین خودداری کردند اما طی چهار سال پس از تشکیل این دادگاه و بعد از صرف هزینه‌ای معادل ۱۲۰ میلیون دلار، از خیل جنایتکاران صرب تاکنون فقط یک نفر محاکمه شده و ۷ نفر نیز در بازداشت به‌سر می‌برند.

پس از استعفای رئیس‌جمهوری انتخابات برگزار کند، و این زمان کمی است. نخست‌وزیر ارمنستان ربرت کوچاریان که هفته گذشته به‌عنوان رئیس‌جمهوری موقت زمام امور را در دست گرفت می‌گوید: خواستار حلٔ مسالمت‌آمیز مناقشه ارضی با آذربایجان است، اما نه براساس شرایطی که دولت سابق آماده پذیرش آن بود.

وی اضافه می‌کند که انتظار دارد مذاکرات گروه مینسک بر سر یافتن راه‌حلی مسالمت‌آمیز برای مناقشه قره‌باغ ادامه یابد. گروه مینسک از کشورهای آمریکا، روسیه و فرانسه که ارمنستان را برای به‌رسمیت شناختن حاکمیت آذربایجان بر منطقه قره‌باغ تحت فشار قرار داده‌اند تشکیل می‌شود.

به گفته یکی از مقامهای آمریکایی، کوچاریان به اندازه ترپتروسیان مایل به پذیرش مصالحه بر سر مناقشه قره‌باغ نیست اما او مردی جدی و باهوش است و به مسئله آگاهی کامل دارد.

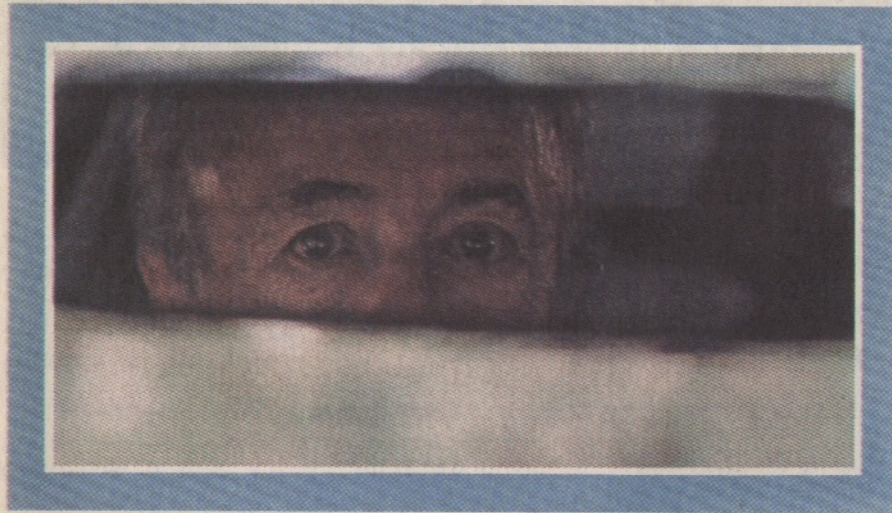
مقام آمریکایی در ادامه افزود که انتخابات ویژه ریاست جمهوری ارمنستان که قرار است در ۱۶ مارس انجام شود لاقال تا حدودی یک همه‌پرسی در مورد مسئله قره‌باغ به‌شمار می‌آید، زیرا کوچاریان اعلام کرده که قصد دارد به‌عنوان نامزد در انتخابات شرکت کند.

در قانون اساسی ارمنستان تصریح شده که نامزد احراز پست ریاست جمهوری باید به‌مدت ده‌سال تابعیت این جمهوری را داشته و در ده سال گذشته در ارمنستان اقامت گزیده باشد.

کوجاریان واجد چنین شرایطی نیست اما می‌گوید: وکلا با استناد به یکی از مواد مندرج در اعلامیه استقلال سال ۱۹۹۱ ارمنستان از اتحاد جماهیر شوروی، وی را از لحاظ قانونی مجاز به شرکت در انتخابات دانسته‌اند.

تنها نامزد مردمی و محقٔ انتخابات

بوسنی و هرزگوین خودداری کردند اما طی چهار سال پس از تشکیل این دادگاه و بعد از صرف هزینه‌ای معادل ۱۲۰ میلیون دلار، از خیل جنایتکاران صرب تاکنون فقط یک نفر محاکمه شده و ۷ نفر نیز در بازداشت به‌سر می‌برند.



عکس ارشیو

نبرد تبلیغاتی سیا علیه صدام

طرف دیگر با نوارهای ویدیویی و برنامه‌های کوتاه تلویزیونی و مجله‌های مصور حاوی مطالبی دربارهٔ صدام تقویت می‌شد.

رندن همان کسی است که نام «کنگره ملی عراق» را برای جنبش مخالفان رژیم بغداد برگزید.

این جنبش در سال ۱۹۹۲ در شمال عراق پایه‌گذاری شد. رندن در پاسخ به سؤال «پتر چنینگز» مجری شبکه ABC NEWS که آیا هدف از این نبرد تبلیغاتی سرنگونی صدام یا تنها آزردن اوست سکوت کرد.

به نقل از: a.b.c

عملیات حفاری

برای سلاحهای شیمیایی و میکروبی

مأموران سازمان ملل مناطقی را که عراق زمانی سلاح‌های میکروبی و شیمیایی خود را در آنجا دفن کرده بود، حفاری خواهند کرد. این حفاری ممکن است معلوم کند که آیا تعداد پیکان‌هایی که عراق برای سوار کردن بر موشک‌هایش تهیه کرده بود، با تعداد آنچه نابود شده، مطابقت می‌کند یا نه. مقامات عراقی می‌گویند وقتی تجهیزات لازمه برای حفاری برسد، عملیات آغاز خواهد شد. عراق ۷۹ سرپیکان سلاحهای میکروبی و شیمیایی داشت که ۷۰ فروند آنها نابود شده‌اند.

ژنرال محمد امیر رشید، وزیر نفت عراق می‌گوید: «ما می‌توانیم باقیماندهٔ ۹ سرپیکان دیگر را هم از زیر خاک درآوریم تا بهانه‌ای در دست دشمنان ما نباشد».



ما باید اول چارچوب نظری
کارمان را درست کنیم و این
چارچوب در نماز جمعه درست
نمی‌شود و بگوئیم بله ما از همه
بهتریم. خیر این امر کار علمی
می‌خواهد. طلاب صدیق و مهربان
باید بنشینند و موبه‌مو این اختلاف
را بررسی کنند

اشاره

در ادامه سلسله گفتگوهای مربوط به مسائل حقوق بشر در
ایران با دکتر سعید رجایی خراسانی گفتگوی صریح و صمیمی
داشتیم.

وی که در حال حاضر مدرس دانشگاه شهید بهشتی در
دپارتمان فلسفه و عرفان است، در دوره چهارم، جلس بانی کمیته
حقوق بشر مجلس شورای اسلامی بود و پیش از آن نیز عنوان
نماینده دایمی ایران در سازمان ملل را داشت.

رجایی خراسانی در حال حاضر افزون بر تدریس در دانشگاه،
مسئول پیگیری امور فرهنگی قطعنامه‌های اجلاس تهران در وزارت
امور خارجه نیز هست.

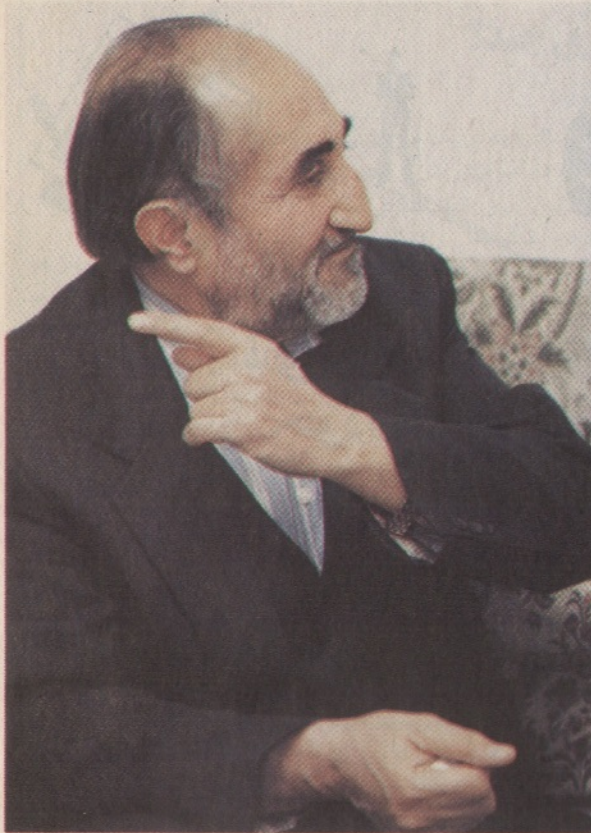
رجایی خراسانی:

گسترش آزادیهای مدنی

و نقد در مطبوعات

به نفع مسئولان و ملت است

گفتگو از: سها روحانی



عکس از: مجبور شهری

داریم که تا به حال نداشته‌ایم. حال که حکومت داریم حقوق بین‌الملل هم داریم. باید حقوق بین‌الملل دنیا را موشکافانه مطالعه کنیم و ببینیم کدام قسمت آن با مبانی اسلامی نمی‌خواند. باید اختلاف اساسی خودمان را با مجامع بین‌المللی حل کنیم و از جزئیات اجرایی آن نترسیم. ما باید اول چارچوب نظری کارمان را درست کنیم و این چارچوب در نماز جمعه درست نمی‌شود و بگوئیم بله، ما از همه بهتریم. خیر این امر کار علمی می‌خواهد. طلاب صدیق و مهربان باید بنشینند و موبه‌مو این اختلاف را بررسی کنند. ما نه تنها باید با دنیا به طور منطقی رفتار کنیم و به آنها اطلاعات و آموزش درست بدهیم که در چه چارچوب فکری هستیم، بلکه باید بین خودمان هم تکرار کنیم. ما باید حقوق افراد جامعه را بر موازین سنتی ناب اسلامان موبه‌مو رعایت کنیم، چرا که اگر مردم ببینند که حقوق آنها در قوه قضائیه تأمین نمی‌شود، آنوقت خودشان مجری قانون می‌شوند. ما قوه قضائیه را تأسیس کردیم که ناامنیها در کشور نباشد، پس انتظار داریم که شبکه قضایی کشور همان کاری را بکند که اسلام گفته، نه همان کاری را که در سخنرانیها می‌کنیم. باید درست عمل کنیم، اگر مشکلی هست باید برطرفش کنیم، نباید گذاشت بی‌گناهی بی‌جهت زندانی شود و یا کسی بی‌جهت تحت بازجویی قرار گیرد. من مطلبی را شنیدم که دعا می‌کنم دروغ باشد امیدوارم با این حرفی که من شنیدم برون بازرسی کارشناسی کنند نه اینکه بیایند مدعی من شوند. من شنیدم برخی از افرادی را که دستگیر کردند در قسمت مجانب نگهداری می‌کنند تا اگر حرفی زد و گفت چه ظلمی بر من رفته بگویند دیوانه است. کسانی که از زندان بیرون آمدند به من چنین چیزی گفتند. اینهاست که مردم را ناراحت می‌کند، آن وقت عده‌ای ابتکارانی به خرج می‌دهند و اسمش می‌شود کمیسیون حقوق بشر.

جامعه: به نظر شما آیا مفاد کنوانسیون حقوق بشر در ایران قابل اجراست؟

– بعضی اش قابل اجرا نیست: همان مواردی که اختلاف اساسی دارد؛ البته من فکر می‌کنم برخی از مواردی که در آن اختلاف اساسی داریم قابل اجراست. وقتی برخی از زندانیها یا اعدامیها با عفو مقام معظم رهبری بخشیده می‌شوند این یک کار اسلامی است. اینها نشان می‌دهد در موارد خیلی سخت هم زمینه‌های تسامح وجود دارد. اگر این زمینه‌های تسامح قانونمند شود به نظر من بخش زیادی از مشکلات ما در مرزهای اختلاف حل می‌شود. مرزهایی هم که نمی‌توانیم از حقوق اسلامی عدول کنیم بر روی آنها محکم می‌ایستیم.

کند آیا ایمن است؟ آیا امنیت شغلی دارد و او را طرد نمی‌کنند؟ این آزادیها کم است. شاید در زمان جنگ نمی‌توانستیم این باب را باز کنیم ولی تاکی؟ در خارج از ایران خیلی از بخشهایی که باید اینجا با ملاحظه مطرح کنیم آنها بی‌پروا می‌گویند. آسایشی که در طرح مسائل وجود دارد نعمت بزرگی است به همین خاطر است که در خارج از ایران انتقادها صریح و گزنده‌است و در نتیجه نظارت عمومی مردم بر کارها شکل می‌گیرد.

جامعه: چرا در کشور ما این انتقادها نیست؟
– شاید ما رشد فرهنگی نداریم. شما هرگز فکر می‌کردید خصوصی‌ترین مسائل زندگی رئیس‌جمهور کشوری مثل آمریکا را به مطبوعات بکشانند؟ این در واقع قدرت مطبوعاتی است. وقتی آقای کلینتون احساس کند که مطبوعات و مردم این گونه برکارش نظارت دارند در رفتار خود تجدیدنظر خواهند داشت. اگر مطبوعات و رسانه‌ها آن استقلال فکری و انتخاب تصمیم را داشته باشند دیگر مجبور نیستند برخی از پرونده‌های شهرداری را شل بگیرند و برخی را محکمترا. انصافاً اگر همان افشاگری که در مورد رئیس‌جمهوری آمریکا اینجا اتفاق بیفتد مطبوعات جرأت می‌کنند آن را مطرح کنند؟ شاید شما بخواهید بگویند که تمام مسئولان اینجا هیچ مشکلی ندارند، بله در آن شکی نیست و همه معصوم هستند. کجا مطبوعات می‌توانند پرونده‌های ضعیف وزارتخانه‌ها را به مردم برسانند؟ اگر بتوانند، دیگر مطبوعات کشور ما خسته‌کننده نمی‌شوند. مطبوعات سخنگوی مردم هستند. اینها چیزهایی است که اگر در ایران اجرا شود آنوقت ما از بیان ضعفهای خودمان به زبان دوستانه برای اصلاح ظفره نخواهیم رفت. اینها چیزهایی است که باید منتظرش باشیم مخصوصاً با فضایی که آقای خاتمی فراهم کردند. آزادیهای مدنی گسترش بیاید و مطبوعات دستگاههای دولتی را نقد کنند که این به نفع مسئولان و ملت خواهد بود.

جامعه: آیا حقوق انسان غربی را با حقوق انسان مسلمان متفاوت می‌دانید؟
– ما دو نوع حقوق داریم. یک حقوق طبیعی که مربوط به آدمیزاد از هر نژاد و گروهی است که میان غرب و شرق و مسلمانان و غیرمسلمانان درباره آن اختلاف‌نظری وجود ندارد که در قالب حقوق بشر نیز تعریفش کرده‌اند. ما هم به حقوقی که منبع از کرامت انسانی و براساس احکام قرآنی است معتقد هستیم. ممکن است در تعریف جزئیات اختلافاتی وجود داشته باشد ولی در کل با هم اختلافی نداریم. بیانیه حقوق بشر، کنوانسیونهای ژنو، میثاقهای بین‌المللی با احکام اسلام اختلاف زیادی ندارند، فقط مرزهای ظریفی در تعاریف و جزئیات وجود دارد که آن مرزها محل اختلاف ما و آنهاست. تعیین این مرزها به کار کارشناسی بدون لجاجتی احتیاج دارد و

قرار گرفت و در واقع ثمره تلاش من بود که قوه قضائیه کمیسیون حقوق بشر را راه‌اندازی کند که البته من قویاً از تشکیل آن استقبال می‌کنم.

جامعه: چه کسی تشکیل کمیسیون حقوق بشر را پیشنهاد کرد؟

– فکر می‌کنم آقای «محمد یزدی». مجلس آلمان از من به عنوان رئیس کمیته حقوق بشر ایران دعوت کرد. من در آنجا با نمایندگان آلمانی مذاکرات مفصلی در رابطه با حقوق بشر داشتم. وقتی گزارش سفرم را به آقای یزدی دادم ایشان بسیار خوشحال شدند و در عین حال مایل بودند مسائل حقوق بشر در قوه قضائیه متمرکز باشد و برای اینکه کار در دست خودشان باشد ابتکار به خرج دادند و به فکر تشکیل این کمیسیون افتادند. در ابتدای کار حضور قوه قضائیه در این کمیسیون بیشتر محسوس بود، در حالیکه الان سعی می‌کند مستقل‌تر عمل کند.

جامعه: چرا فعالیت کمیته شما در مجلس ادامه پیدا نکرد؟

– وقتی از مجلس بیرون آمدم کسی این کمیته را اداره نکرد! قرار شد یکی از نمایندگان مجلس مسئولیت آن را به عهده بگیرد او هم با مطالعه بروی کار این کمیته تشخیص داد که لازم نیست فعالیت آن ادامه پیدا کند. جامعه: اهداف کمیته شما تا چه حد با اهداف کمیسیون حقوق بشر موازی است؟

– ما دو نوع هدف داریم. یک هدف اساسنامه‌ای و یک هدف اجرایی. از لحاظ اساسنامه‌ای با هم فرقی نداریم. در اجراست که تفاوت وجود دارد. انتظاراتی از کمیسیون حقوق بشر در برخی از کارها وجود دارد که متأسفانه آن انتظارات تأمین نمی‌شود مثلاً شکایتهایی که در مورد احکام برخی از دادگاهها می‌شود مورد بررسی قرار نمی‌گیرد. ما هنوز خبر نداریم که یکی از این پرونده‌ها را خواسته باشند و بروی آن نظر کارشناسی بدهند و بگویند حق این فرد ضایع شده است و تجدید نظر شود.

آقای ضیایی فر که دبیر کمیسیون هستند بسیار جدی و صمیمانه کار می‌کنند ولی بسیاری از آقایان عضو کمیسیون که باید در بخش مربوطه این پرونده‌ها را بخواهند جدی عمل نمی‌کنند در قوه قضائیه، نیروی انتظامی گروههای سیاسی و یا هر جای دیگر اگر اشتباهاتی رخ می‌دهد و حقوق افراد نقض می‌شود، باید جلوگیری کرد و پیگیر آن شد، اصلاً کاری هم به سازمان ملل نداریم، آیا اگر سازمان ملل نبود ما هیچ مشکل و ایرادی نداشتیم، یعنی این تشکیلات قوه قضائیه هیچ نقضی ندارد؟ بزرگترین مشکل ما این است که سازمان ملل وجود دارد اگر این طور است خیلی بی‌انصافی است، مگر می‌شود همه کشورها قوه قضائیه آنها اشکال داشته باشند آن وقت ما بی‌اشکال باشیم؟

من هزاران مورد از اشتباهات قوه قضائیه را سراغ دارم. مشکلات بسیار

جامعه: شما در دوره چهارم مجلس کمیته حقوق بشر را در مجلس پایه‌ریزی کردید. چه ضرورتی برای تشکیل این کمیته احساس می‌شد؟
– قبل از اینکه به مجلس وارد شوم نماینده ایران در سازمان ملل بودم. در آن زمان حملات و مشکلات زیادی را از ناحیه نقض حقوق بشر، علیه ایران مشاهده می‌کردم. در مقابل این حملات وظیفه داشتیم از کشورمان دفاع کنیم. هر چند که موفق بودیم ولی همیشه در موضع دفاعی قرار داشتیم. وقتی به عنوان نماینده مردم در مجلس انتخاب شدم از تهران و شهرستان، مراجعات زیاد به مجلس برای طرح مشکلاتشان می‌شد. من که مختصری سابقه سیاسی و آشنایی با مسائل حقوق بشر داشتم خیلی مایل بودم این مشکلات آنها را پیگیری کنم. در همین زمان متوجه شدم عده زیادی از مردم همان مشکلاتی را دارند که ما در عرف بین‌الملل به آن حقوق بشر می‌گوییم؛ مشکلاتی که قابل پیگیری و رفع است و اینگونه نیست که مشکلات حقوق بشری کشور ما به خاطر ساختار سیاسی جامعه لاینحل باشد. وقتی در جامعه‌ای امکانات و آمادگی‌ها برای رفع مشکلات موجود هست، دلیلی ندارد که مسائل حقوق بشرمان را انکار کنیم. حقوق بشر چیزی نیست که در هیچ جای دنیا نقض نشود در آمریکا، انگلیس، آلمان، چین و... حقوق بشر نقض می‌شود و در ایران نیز نقض می‌شود. بنابراین اگر در کشور موسسه یا نهادی باشد که مسائل حقوق بشری را پیگیری کند و جلوی نقض آنها را بگیرد، برای استحکام نظام و نیز مردم ما مفید است. ما نباید مسائل حقوق بشر را صرفاً از لحاظ اتهاماتی که علیه کشورمان مطرح می‌کنند ملاحظه کنیم، بلکه می‌توانیم آن را به عنوان موضوع جدی و اصل کشورمان مطرح کنیم. در واقع مسائل حقوق بشری باید در داخل کشور متولی داشته باشد. جامعه: کدام فرد یا نهادی می‌تواند متولی آن باشد؟

– قوه قضائیه نمی‌تواند متولی باشد زیرا قوه قضائیه خود متهم در مسائل حقوق بشری است. وقتی می‌گویند حق کسی در محاکمه دادگستری و یا در لحظه بازجویی نقض شده منظور این است که ضابطین قوه قضائیه کار خود را خوب انجام نداده‌اند بنابراین یک متولی غیر از قوه قضائیه لازم است. بهترین افرادی که می‌توانند این تولیت را به عهده بگیرند، نمایندگان مجلس هستند. چرا که اینها از یک طرف به مناطق مختلف کشور و از طرف دیگر به مسئولان و قوای اجرایی کشور دسترسی دارند. تشکیل کمیته حقوق بشر در مجلس انگیزه اصلی من بود. با یک گروه نمایندگان مجلس یک هسته مرکزی مؤسس تشکیل دادیم و کمیته سیاست خارجی نیز پیشنهاد ما را تصویب کرد. اساسنامه‌ای توسط اعضای این گروه تدوین شد که در هیأت رئیسه مجلس مسکوت باقی ماند. ولی ما منتظر جواب هیأت رئیسه نماندیم چرا که قرار بود در آن زمان بحث‌های حقوق بشری سنگینی علیه ما در محافل بین‌المللی مطرح شده بود و متولیان حقوق بشر در خارج از کشور از ما

بشری کشور ما به خاطر ساختار سیاسی جامعه لاینحل باشد. وقتی در جامه‌های امکانات و آمادگی‌ها برای رفع مشکلات موجود هست، دلیلی ندارد که مسائل حقوق بشرمان را انکار کنیم. حقوق بشر چیزی نیست که در هیچ جای دنیا نقض نشود در آمریکا، انگلیس، آلمان، چین و... حقوق بشر نقض می‌شود و در ایران نیز نقض می‌شود. بنابراین اگر در کشور موسسه یا نهادی باشد که مسائل حقوق بشری را پیگیری کند و جلوی نقض آن‌ها را بگیرد، برای استحکام نظام و نیز مردم ما مفید است. ما نباید مسائل حقوق بشر را صرفاً از لحاظ اتهاماتی که علیه کشورمان مطرح می‌کنند ملاحظه کنیم، بلکه می‌توانیم آن را به عنوان موضوع جدی و اصیل کشورمان مطرح کنیم. در واقع مسائل حقوق بشری باید در داخل کشور متولی داشته باشد. جامعه: کدام فرد یا نهادی می‌تواند متولی آن باشد؟

- قوه قضائیه نمی‌تواند متولی باشد زیرا قوه قضائیه خود متهم در مسائل حقوق بشری است. وقتی می‌گویند حق کسی در محاکمه دادگستری و یا در لحظه بازجویی نقض شده منظور این است که ضابطین قوه قضائیه کار خود را خوب انجام نداده‌اند بنابراین یک متولی غیر از قوه قضائیه لازم است. بهترین افرادی که می‌توانند این تولیت را به عهده بگیرند، نمایندگان مجلس هستند. چرا که این‌ها از یک طرف به مناطق مختلف کشور و از طرف دیگر به مسئولان و قوای اجرایی کشور دسترسی دارند. تشکیل کمیته حقوق بشر در مجلس انگیزه اصلی من بود. با یک گروه نمایندگان مجلس یک هسته مرکزی مؤسس تشکیل دادیم و کمیته سیاست خارجی نیز پیشنهاد ما را تصویب کرد. اساسنامه‌ای توسط اعضای این گروه تدوین شد که در هیأت رئیسه مجلس مسکوت باقی ماند. ولی ما منتظر جواب هیأت رئیسه نماندیم چرا که قرار بود در آن زمان بحث‌های حقوق بشری سنگینی علیه ما در محافل بین‌المللی مطرح شود و نبود متولی حقوق بشری چهره دژخیمی از ما به ناظران غربی نشان می‌داد. بنابراین با دکتر «حسن روحانی» صحبت کردیم و ایشان پذیرفتند که اعلام موجودیت کنیم. ۸۰ نفر از نمایندگان مجلس برای عضویت در کمیته اعلام آمادگی کردند. سپس این کمیته به مشروعیت سیاسی دست یافت.

من فکر می‌کنم بعد از این جریان بود که قوه قضائیه در موضع دفاعی

- وقتی از مجلس بیرون آمدم کسی این کمیته را اداره نکردا قرار شد یکی از نمایندگان مجلس مسئولیت آن را به عهده بگیرد او هم با مطالعه بروی کار این کمیته تشخیص داد که لازم نیست فعالیت آن ادامه پیدا کند. جامعه: اهداف کمیته شما تا چه حد با اهداف کمیسیون حقوق بشر موازی است؟

- ما دو نوع هدف داریم. یک هدف اساسنامه‌ای و یک هدف اجرایی. از لحاظ اساسنامه‌ای با هم فرقی نداریم. در اجرائی که تفاوت وجود دارد. انتظاراتی از کمیسیون حقوق بشر در برخی از کارها وجود دارد که متأسفانه آن انتظارات تأمین نمی‌شود مثلاً شکایتهایی که در مورد احکام برخی از دادگاه‌ها می‌شود مورد بررسی قرار نمی‌گیرد. ما هنوز خبر نداریم که یکی از این پرونده‌ها را خواسته باشند و بروی آن نظر کارشناسی بدهند و بگویند حق این فرد ضایع شده است و تجدید نظر شود.

آقای ضیایی فر که دبیر کمیسیون هستند بسیار جدی و صمیمانه کار می‌کنند ولی بسیاری از آقایان عضو کمیسیون که باید در بخش مربوطه این پرونده‌ها را بخواهند جدی عمل نمی‌کنند در قوه قضائیه، نیروی انتظامی گروه‌های سیاسی و یا هر جای دیگر اگر اشتباهاتی رخ می‌دهد و حقوق افراد نقض می‌شود، باید جلوگیری کرد و پیگیر آن شد، اصلاً کاری هم به سازمان ملل نداریم، آیا اگر سازمان ملل نبود ما هیچ مشکل و ایرادی نداشتیم، یعنی این تشکیلات قوه قضائیه هیچ نقصی ندارد؟ بزرگترین مشکل ما این است که سازمان ملل وجود دارد اگر این طور است خیلی بی‌انصافی است، مگر می‌شود همه کشورها قوه قضائیه آنها اشکال داشته باشد آن وقت ما بی‌اشکال باشیم؟

من هزاران مورد از اشتباهات قوه قضائیه را سراغ دارم. مشکلات بسیار به من مراجعه می‌شود و من می‌بینم که بعضی از کارها در دادگاه‌ها با تسامح و سهل‌انگاری انجام می‌شود. حقوق فردی ضایع می‌شود و همه هم به دادگستری مربوط نیست. خیلی از مسائلی که به آزادی‌های اساسی مربوط می‌شود می‌تواند بهتر از این در کشور باشد نظیر آزادی بیان.

آقای یزدی در نماز جمعه می‌گویند آزادی هست، البته که برای ایشان آزادی وجود دارد. من می‌خواهم ببینم اگر کسی نقد تندوگزنده‌ای را مطرح

را داشته باشند دیگر مجبور نیستند برخی از پرونده‌های شهرداری را شل بگیرند و برخی را محک‌تر. انصافاً اگر همان افشاگری که در مورد رئیس جمهوری آمریکا اینجا اتفاق می‌افتد مطبوعات جرأت می‌کنند آن را مطرح کنند؟ شاید شما بخواهید بگویید که تمام مسئولان اینجا هیچ مشکلی ندارند، بله در آن شکی نیست و همه معصوم هستند. کجا مطبوعات می‌توانند پرونده‌های ضعیف وزارتخانه‌ها را به مردم برسانند؟ اگر بتوانند، دیگر مطبوعات کشور ما خسته کننده نمی‌شوند. مطبوعات سخنگوی مردم هستند. این‌ها چیزهایی است که اگر در ایران اجرا شود آنوقت ما از بیان ضعف‌های خودمان به زبان دوستانه برای اصلاح طفره نخواهیم رفت. این‌ها چیزهایی است که باید منتظرش باشیم مخصوصاً با فضایی که آقای خاتمی فراهم کردند. آزادی‌های مدنی گسترش بیابد و مطبوعات دستگاه‌های دولتی را نقد کنند که این به نفع مسئولان و ملت خواهد بود.

جامعه: آیا حقوق انسان غربی را با حقوق انسان مسلمان متفاوت می‌دانید؟

- ما دو نوع حقوق داریم. یک حقوق طبیعی که مربوط به آدمیزاد از هر نژاد و گروهی است که میان غرب و شرق و مسلمانان و غیرمسلمانان درباره آن اختلاف نظری وجود ندارد که در قالب حقوق بشر نیز تعریفش کرده‌اند. ما هم به حقوقی که منبعث از کرامت انسانی و براساس احکام قرآنی است معتقد هستیم. ممکن است در تعریف جزئیات اختلافاتی وجود داشته باشد ولی در کل با هم اختلافی نداریم. بیانیه حقوق بشر، کنوانسیون‌های ژنو، میثاق‌های بین‌المللی با احکام اسلام اختلاف زیادی ندارند، فقط مرزهای ظریفی در تعاریف و جزئیات وجود دارد که آن مرزها محل اختلاف ما و آنهاست. تعیین این مرزها به کار کارشناسی بدون لجبازی احتیاج دارد و این فقها و حقوقدانان هستند که می‌توانند اختلاف‌ها را مشخص کنند و با وجود تسامحی که در حقوق اسلامی وجود دارد این مرزها را به حداقل برسانند. من وقتی مشکلات حقوق بشر کشورمان را در سازمان ملل دیدم با استادان حوزه علمیه قم مطرح کردم اما آنها ادله مرا رد کردند. من نمی‌خواستم آنها را محکوم کنم. من گوش شنوایی می‌خواستم تا گزارشی از مشکلات ایران را در مجامع بین‌المللی به آنها بدهم و بگویم ما حالا حکومت

پس کردیم که ناامنیها در کشور نباشد، پس انتظار داریم که شبکه قضایی کشور همان کاری را بکند که اسلام گفته، نه همان کاری را که در سخنرانیها می‌کنیم. باید درست عمل کنیم، اگر مشکلی هست باید برطرفش کنیم، نباید گذاشت بی‌گناهی بی‌جهت زندانی شود و یا کسی بی‌جهت تحت بازجویی قرار گیرد. من مطلبی را شنیدم که دعا می‌کنم دروغ باشد امیدوارم با این حرفی که من شنیدم بروند بازرسی کارشناسی کنند نه اینکه بیایند مدعی من شوند. من شنیدم برخی از افرادی را که دستگیر کردند در قسمت مجانبین نگهداری می‌کنند تا اگر حرفی زد و گفت چه ظلمی بر من رفته بگویند دیوانه است. کسانی که از زندان بیرون آمدند به من چنین چیزی گفتند. اینهاست که مردم را ناراحت می‌کند، آن وقت عده‌ای ابتکارانی به خرج می‌دهند و اسمش می‌شود کمیسیون حقوق بشر.

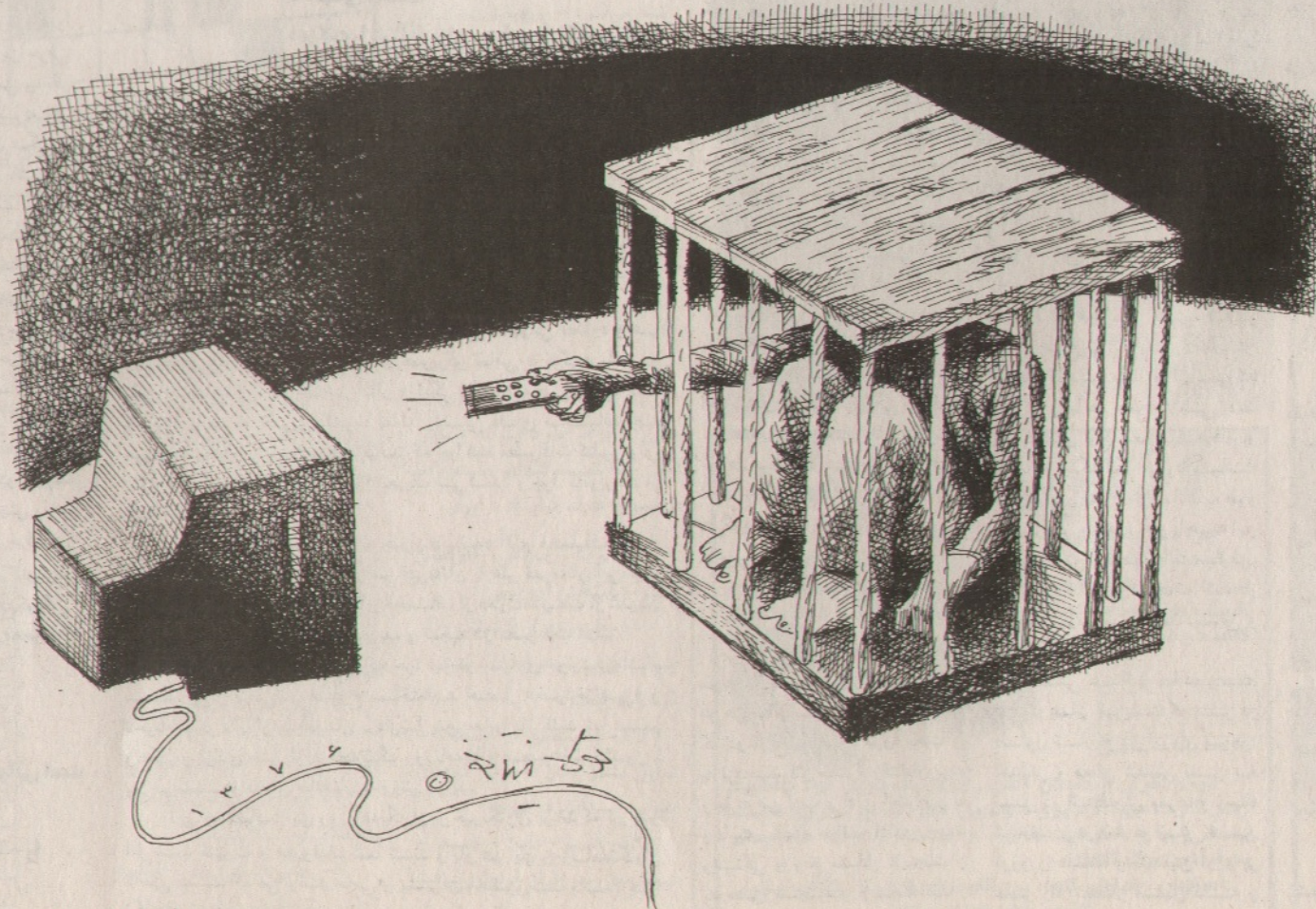
جامعه: به نظر شما آیا مفاد کنوانسیون حقوق بشر در ایران قابل اجرائی است؟

- بعضی‌اش قابل اجرا نیست؛ همان مواردی که اختلاف اساسی دارد؛ البته من فکر می‌کنم برخی از مواردی که در آن اختلاف اساسی داریم قابل اجرائی است. وقتی برخی از زندانیها یا اعدامیها با عفو مقام معظم رهبری بخشیده می‌شوند این یک کار اسلامی است. اینها نشان می‌دهد در موارد خیلی سخت هم زمینه‌های تسامح وجود دارد. اگر این زمینه‌های تسامح قانونمند شود به نظر من بخش زیادی از مشکلات ما در مرزهای اختلاف حل می‌شود. مرزهایی هم که نمی‌توانیم از حقوق اسلامی عدول کنیم بر روی آنها محکم می‌ایستیم.

جامعه: آیا کمیسیون حقوق بشر ضمانت اجرایی لازم را داراست؟ - اگر کسی به کمیسیون حقوق بشر اسلامی شکایت کند تنها آقای ضیایی فر است که آن را دنبال می‌کند، نه اینکه به صورت نهادینه، بخشی باشد و این پرونده را بخواهد و وارد ماهیت موضوع شود، به همین دلیل است که بسیاری از مردم مشکلاتشان را در دفتر مقام معظم رهبری مطرح می‌کنند جامعه: از اینکه وقتتان را در اختیارمان گذاشتید متشکریم.

بیانیه حقوق بشر، کنوانسیون‌های ژنو،
میثاق‌های بین‌المللی
با احکام اسلام اختلاف زیادی ندارند
مرزهای ظریفی در تعاریف و جزئیات وجود دارد
که محل اختلاف ما و آنهاست

آقای یزدی در نماز جمعه می‌گویند
آزادی هست
البته که برای ایشان آزادی وجود دارد
من می‌خواهم ببینم
اگر کسی نقد تند و گزنده‌ای را مطرح کند
آیا ایمن است
آیا امنیت شغلی دارد و او را طرد نمی‌کنند!



طرح: توکانیستانی

آیا اگر سازمان ملل نبود
ما هیچ مشکل دیگری نداشتیم
یعنی این تشکیلات قوه قضائیه هیچ نقضی ندارد
و بزرگترین مشکل ما این است که سازمان ملل وجود دارد؟
اگر اینطور است خیلی بی‌انصافی است

باید حقوق بین‌الملل دنیا را
موشکافانه مطالعه کنیم و ببینیم
کدام قسمت آن با مبانی اسلامی
نمی‌خواند. باید اختلاف اساسی
خودمان را با مجامع بین‌الملل حل کنیم



واکنشهای مقاله جنگلها و جنگها



بیش از لیاقتش بالا برده اید

سید محمد حسینی در بخشی از نامه خود به «جامعه» با اشاره به مقاله محسن مخملباف چنین می نویسد:

[...] بهترین و رسانی ترین و بلیغ ترین و مؤثرترین جوابها و پیامها را به نظر بنده می توان بر زبان هنر و بویژه فیلم و سینما جاری نمود. و اگر فیلم و سینما برترین زبان گویای انقلاب اسلامی نباشد، مطمئناً زبان الکن و ناقصی هم نخواهد بود. اما ما با این زبان چه کردیم؟! بنده در عین حالی که دست آحاد دست اندرکاران این فن را می بوسم، در عین حال انتقاداتی هم به ایشان دارم که گویا بعضاً چندان واقف نیستند که چه سلاحی در دست دارند و چه وظیفه و تکلیف سنگینی بردوش! جهان در



**کسی که مدعی هنر و هنرمندی باشد
و در راستای سیاستهای شیطانی دشمنان گام بردارد
چه جایگاه خداپسندانه ای
می تواند در نزد این ملت مظلوم داشته باشد؟**

بین عدالت و سیاست قرنها فاصله است

حبیب اژدری (شاهد)

[...] و اما بعد بدون هیچ گونه تشریفات، و تعریفات، و تفسیرات، و تبلیغات، با شهامت و با جسارت و بدون رنگ و ریا و باز بدون ترس و واهمه در این دنیای چند روزه که هیچ روزش روز حقیر و امثال حقیر نیست، چرا که از طبقه ای هستم که مصداق ضرب المثل معروف آن مرغ (که هم در عروسی سر می برند و هم در عزای) با شما اهالی این جامعه، نه درددل، بلکه مباحثه می کنیم، که اولاً تشریف فرمایی شما از جامعه به جامعه مورد بحث است و دوماً حالا که تشریف آوردید در کجای این جامعه خیمه زدید؟ نیز بحث است. و ستون خیمه گاه شما اهالی جامعه از چه جنسی است؟ آخر، قبل از شماها در این دشت برهوت خیلی ها خیمه و خرگاهی برپا کرده بودند، که متأسفانه با نسیمی نه چندان تند، امثال و احشاشان درهم پیچید. و لاجرم عده ای طنابهای خیمه و خرگاهشان را به خار و خاشاک این

[...]

درد و گریه بیشتر، در کارشان گشایشی نشد که نشد. لذا هرگاه سخن از قانون و قانونمداری و عدالت و جامعه مدنی به میان می آید این حقیر به شدت متقلب می شوم و دردمندانه می گریم. نه تنها به حال خود بلکه به حال نوعی، و بسیار کسانی که دردمندتر از حقیر، که حتی واژه عدالت برایش تهوع آور است و عنوان جامعه مدنی برایش نآشنا. در این سرای چندروزه که هیچ روزش روز این حقیر و امثال حقیر نیست، می خواهم بدانم آیا در واقع کسی هست که حداقل بطور نسبی عدالت را در جامعه بشری رواج داده و ایجاد توازن کند؟ و به طور ریشه ای به این امر بسیار مهم پرداخته شود؟ یا خیر. باز هم دعا سر لعاف ملاست؟ با توجه به تحقیق و مطالعه کتب مختلف تاریخی، انسان در می یابد که عدالت و قانونمداری و علی مداری هرازگاهی در تاریخ متولد شده و هنوز رشد نکرده و

توقع آقای مخملباف از «جامعه» ضد دموکراتیک خود محورانه و غیر اصولی است

مینو بدیعی

از هیچ رسانه ای بخصوص یک روزنامه نمی تواند سر بزنند! و اگر سر بزند باید به عنوان یک پدیده تازه در روزنامه نگاری تخصصی امروز مطرح شود! یکی دیگر از کشفیات جدید آقای مخملباف در علم روزنامه نگاری، «روزنامه دیالوگ» است. ما که سالهاست در عرصه روزنامه نگاری (چه به شکل عملی چه به شکل تئوری و در دانشگاه) کار کرده ایم با چنین واژه ای به تازگی آشنا می شویم ما عموماً این بحث را مطرح می کنیم که هر نشریه در بدو انتشار به دلیل اینکه قادر نیست و نمی تواند همه مردم جامعه را مخاطب خویش فرض کند، بنابراین می باید مخاطب خود را بشناسد. روزنامه ای نظیر روزنامه «جامعه» که می خواهد قانونمند و هدفمند براساس قوانین جامعه مدنی حرکت کند طبعاً باید «مخاطب شناسی» کند. از دیدگاه سردبیر این روزنامه، جوانان و دانشجویان می توانند «مخاطب» چنین نشریه ای باشند. این نشانگر شناختی است که «سردبیر» چنین نشریه ای از مخاطبان روزنامه ها و مطبوعات دارد و طبعاً چنین شناختی در نزد آقای مخملباف موجود نیست! آقای مخملباف بحث «فرقه ها» را در روزنامه نگاری عنوان کرده و از آن به عنوان نقطه ضعف مطبوعات کشور نام برده اند. به عقیده من این نوع نگرش نیز دارای ضعف های جدی است. به طور کلی یکی از دلایل وجود دموکراسی که نظریه پردازان غربی نیز به آن معتقدند وجود افکار و نظرات گوناگون در جامعه است و در کشورهای غربی بخصوص در فرانسه برای اینکه جریان آزاد اطلاعات و انتشار نشریات مختلف و ارائه نظرات گوناگون مانعی نداشته باشد هر شهروندی بدون اجازه گرفتن از مراکز رسمی براساس «نظام تبیینی» (که بعد از انتشار نشریه تخلفات آن را بررسی می کنند) نشریه دلخواه خود را انتشار می دهد و نظرات خود و نویسندگانش را در نشریه اش مطرح می کند. صاحب امتیاز چنین روزنامه ای فقط نشریه اش را مانند ثبت شرکتها به ثبت می رساند. حال این سؤال را از آقای مخملباف می پرسیم: آیا انتشار نشریات گوناگون با دیدگاههای مختلف در جوامع اروپایی، حرکتی ضد دموکراسی است؟ آقای مخملباف با ناراحتی تمام می گوید: چرا همه روزنامه ها «قضایات نامه منتشره فرقه ها» هستند و چرا همه خود را قاضی می دانند؟ اصلاً وظیفه یک روزنامه نگار این است که به عنوان وجدان بیدار و قاضی عدالت جوی جامعه ظاهر شود و روزنامه نگاری که قلم منتقدانه نداشته باشد و فقط از زمین و زمان تعریف کند و فقط حکایت مداح سرزمین «گل و بلبل و سنبل» را تداعی کند، آیا می تواند لقب پرطمطراق «روزنامه نگار» را یدک بکشد؟ بنابر نظر صریح آقای مخملباف، سردبیر روزنامه جامعه بهتر است حرکتی را پیش بگیرد که این دادگاه عمومی را تعطیل کند. بنابراین پیشنهاد، آقای مخملباف دقیقاً ترویج حرکتی ضد دموکراتیک، خود محورانه و غیر اصولی را از روزنامه «جامعه» داشته و دارند، مگر می توان به کارگردانان سینما گفت که شما حق ندارید در مورد فلان موضوع فیلم بسازید و یا اینکه اصلاً تفکر شما را ما تعیین و دوربین تان را هدایت می کنیم! خود آقای مخملباف می دانند که این طرز فکر بیانگر تفکری غیر دموکراتیک و حتی فاشیستی است. اگر واقعاً «دادگاهی ملی» وجود داشته باشد هیچ روزنامه و هیچ سردبیری نمی تواند آنرا تعطیل کند! انتقاد دیگری که آقای مخملباف از روزنامه ها و نشریات کرده اند این است که روزنامه های ما به نشریات «مرگ» تبدیل شده اند و مرتب آگهی های تسلیت و ترحیم چاپ می کنند؟ پرسش از آقای مخملباف این است که آیا مرگ این انسانهای هموطن که عکس و

سالها پیش بود، سالهای دور، انگار که قرن گذشته باشد؛ قرن که خاطره آن سرشار از حادثه و رویدادهای بزرگ و کوچک اجتماعی و ... بود. آن سالهای قرن گونه که یکی از روزهای آن مثل سایه ای از خیال برخاطرمان مانده است تصویر مبهم و گنگی از «روزنامه نگاری معاصر ایران» را در ذهنم تصویر می کند. آن روز، در اولین روز دانشکده آغاز تحصیل در رشته روزنامه نگاری، در دفتر گروه «روزنامه نگاری» برابر استاد ایستاده بودم و استاد که یکی از سرشناس ترین روزنامه نگاران آن دوران و از استادان مسلم روزنامه نگاری بود، با لحنی پدرانه می گفت: دخترم می دانی که روزنامه نگاری چیست و چه مسائل و مشکلات و چه مخاطراتی دارد؟

آقای مخملباف نوشته اند به هیچ عنوان از شنیدن خبر انتشار یک روزنامه جدید خوشحال نمی شوند زیرا مجموعه مطبوعات کشور را یک بعدی، تنگ نظر و مصرف کننده بی رویه کاغذ و در نهایت نابود کننده جنگلها می دانند؟! برای آقای مخملباف که شخصیتی فرهنگی و هنرمندی جهانی هستند جای تأسف بسیار است که برادر بزرگ رسانه ای هنری همچون سینما را - که همان مطبوعات باشد - با چماق تکفیر بکوبند و گناه انتقادهای گوناگونی را که برخی از نویسندگان و منتقدان از ایشان مطرح کرده اند برگردن مجموعه مطبوعات و حرفه روزنامه نگاری در کشور بیندازند. [۱۰۰]

ما هم با آقای مخملباف موافقم در شرایطی که افراد بی هویت و فاقد تعهد و مسئولیت اجتماعی، فرهنگی مجوز نشریات گوناگونی را دریافت کرده و مبادرت به انتشار هفته نامه ها و ماهنامه ها و «بی اصالت» می کنند، انتشار یک روزنامه جدید احساس خاصی را در فرد به وجود نمی آورد! با اینکه این بخش از گفته های آقای مخملباف صحیح است،

اگر مجموعه مطبوعات کشور

دچار اشتباهات، عملکردهای غلط

و برخورد های گاه مقطعی و گاه سطحی،

زمانی هم هتاکانه و دشنام آمیز می شود،

باید با اینگونه روشها برخورد کرد

نه اینکه اساساً مطبوعات و حرفه روزنامه نگاری

را زیر سؤال ببریم

ولی تأکید بر این گفته که «روزنامه ها امروز برهوت فاصله ها را زیاد می کنند» نشان از نگرش شتابزده، عجولانه و غیر منطقی آقای مخملباف دارد، اصل در حرفه «روزنامه نگاری» که به اعتقاد من اجتماعی ترین و سیاسی ترین مشاغل موجود در دنیا برای گسترش و توسعه «ارتباطات اجتماعی» است این را هر دانشجوی ساده روزنامه نگاری می داند.

حال اگر مجموعه مطبوعات کشور دچار اشتباهات، عملکردهای غلط و برخوردهای گاه مقطعی و گاه سطحی، زمانی هم هتاکانه و دشنام آمیز می شوند، باید با این گونه روشها و این عملکردها در مطبوعات کشور برخورد کرد نه اینکه اساساً «روزنامه ها» و «مطبوعات» و به طور کلی حرفه روزنامه نگاری را زیر سؤال برد! [...]

انتظار معرفی چهره ملت ایران در پرتو انقلاب اسلامی می باشد و به حق هم انتظار دارد که چهره منوری را به تماشا بنشینند. اما دشمنان این ملت نیز لحظه ای بیکار نیستند و پیوسته در صدد مخدوش جلوه دادن چهره درخشان شهدای رفته و مانده و جوانان این جامعه می باشند و چنانچه کسی پیدا شود که بدانها در این سیاست شیطانی مساعدت نماید مطمئناً برایش هوراها برکشند و تقدیرها نمایند و جایزه ها بدهند و ... حال کسی که مدعی هنر و هنرمندی باشد و در راستای سیاستهای شیطانی دشمنان گام بردارد و در جشنواره های بین المللی برایش کف بزنند و هورا بکشند و مدال بدهند چه جایگاه خداپسندی می تواند در نزد این ملت مظلوم داشته باشد؟! بنده با آقای محسن مخملباف هیچگونه عنادی ندارم و چه بسا نکته آقای حجتی کرمانی که وی را «هنرمند مسلمان و دلسوخته» نامیده شاید قرین حقیقت باشد ولیکن بنده از وقتی که فیلم دستفروش وی را دیدم بطور کلی از ایشان منزجر شدم. چرا که این فیلم چهره ای که از این ملت به جهان ارائه می کند می تواند در کلماتی مثل «وحشی»، «گدا»، «دزد»، «دیوانه» و ... امثال این صفات پلید جستجو نمود. آیا برآستی ملت ما ملتی وحشی و دیوانه اند؟ آیا ایشان برآستی پلید و پلشتند؟ آیا برآستی این ملت گدا و دزدند؟ و ... من نمی دانم در دو شماره قبلی درباره ایشان چه نوشته اید ولیکن در این دو شماره اخیر بنظرم رسید او را غیر منصفانه و بیش از لیاقتش بالا برده اید و ارج نهاده اید. چرا؟!]

**آیا قرار است اندیشمندان این اندیشه سرسبزتر،
معجزه جدیدی را به جامعه معرفی کنند؟
یا خیر.
این نیز بازار است که
در تبلیغات اجناسشان
از هیچ نیرنگی فروگذار نخواهند کرد؟**



سخنی در مورد جامعه جنگلها و جنگها

جعفر صادقی

۱ - محسن عزیز: در دومین شماره روزنامه جامعه مطلبی نوشته بودی در شش اپیزود تحت عنوان جامعه جنگلها و جنگها، از همان ابتدای سخن [...] «پیشنهاد داده ای به روزنامه جامعه مشاوره بدهم که چگونه باشد. اول می پرسم که اصلاً چرا باید باشد؟» البته سؤال تو سؤال زندگی است از انسانیت و بجا هم هست، منم سؤالی دارم که جامعه مدنی در قبال جامعه ... چی؟ که روزنامه جامعه اولین روزنامه ارگان جامعه مدنی است؟

۲ - محسن عزیز: [...]، وقتی فردای تأسیس اداره سجل و احوال صادر شد، کلیه کسانی که خواندن و نوشتن می دانستند در این اداره به خدمت گرفته شدند. سوادشان البته کم بود [...] برای صدور سجل احوال وقتی به محل کار افراد مراجعه می کردند، پس از پرسیدن نام شخص شغل او را به عنوان فامیل (بیخشید، نام خانوادگی فارسی) در ورقه سجلی ثبت می کردند. این نام خانوادگی را در سه گروه می توان دسته بندی کرد. گروه اول نامهای آهنگر - چلنگر - سفالگر - گشت گر - گندمکار - زحمتکش - رنجبر - دباغ - حصیرباف - نمد مال - [...]]

گروه دوم نامهای: دکمه چی - منگنه چی - دستمالچی - جورابچی - مخملپوش - شالچی - آهنگی - [...]]

گروه سوم چون خودشان از نعمت سواد برخوردار بودند به هنگام مراجعه مأمور سجلات، خود نام خانوادگی خود را بر می گزیدند و یا مأمور آمار از

می‌کنند، انتشار یک روزنامه جدید احساس خاصی را در فرد به وجود نمی‌آورد! با اینکه این بخش از گفته‌های آقای مخملباف صحیح است.

اگر مجموعه مطبوعات کشور

دچار اشتباهات، عملکردهای غلط

و برخورد‌های گاه مقطعی و گاه سطحی، زمانی هم هتاکانه و دشنام آمیز می‌شود،

باید با اینگونه روشها برخورد کرد

نه اینکه اساساً مطبوعات و حرفه روزنامه‌نگاری

را زیر سؤال ببریم

ولی تأکید بر این گفته که «روزنامه‌ها امروز برهوت فاصله‌ها را زیاد می‌کنند» نشان از نگرش شتابزده، عجولانه و غیر منطقی آقای مخملباف دارد، اصل درحرفه «روزنامه‌نگاری» که به اعتقاد من اجتماعی‌ترین و سیاسی‌ترین مشاغل موجود در دنیا برای گسترش و توسعه «ارتباطات اجتماعی» است این را هر دانشجوی ساده روزنامه‌نگاری می‌داند.

حال اگر مجموعه مطبوعات کشور دچار اشتباهات، عملکردهای غلط و برخورد‌های گاه مقطعی و گاه سطحی، زمانی هم هتاکانه و دشنام آمیز می‌شوند، باید با این گونه روشها و این عملکردها درمطبوعات کشور برخورد کرد نه اینکه اساساً «روزنامه‌ها» و «مطبوعات» و به طور کلی حرفه روزنامه‌نگاری را زیر سؤال برد! [...]

مسئله دیگری که آقای مخملباف عنوان کرده‌اند این است که هر نشریه‌ای بازتاب تفکر سردبیر آن است که این اندیشه به شدت در عرف روزنامه‌نگاری غلط است. سردبیر که به‌عنوان شاخص‌ترین روزنامه‌نگار در تحریریه یک نشریه مطرح است، می‌باید آرا و افکار نویسندگان و خبرنگاران خویش و همین‌طور قشرهای مختلف خوانندگان خود را انتشار دهد. حال اگر «سردبیری» تنها عاشق افکار خودش باشد و نظیر «من آمم که رستم بود پهلوان» نشریه را به تربیون شخصی خویش و افکار یک‌جانبه خود تبدیل کند باید بدون هیچ خجالت و شرمندگی از پست خویش استعفا دهد و کار را به کاردان بسپارد! (این پیشنهاد و رویه را کارگردان سرشناس سینمای ایران می‌توانستند مطرح کنند) این حرفی شعارگونه نیست که همه مطبوعات و همین‌طور نشریات تخصصی بیانگر اندیشه‌ها، آرا و تفکرات موجود در جامعه هستند و هیچ سردبیری خلق‌الساعه قدعلم نمی‌کند که بر بستر شرایط اجتماعی، فرهنگی و سیاسی موجود شکل می‌گیرد و اگر خود نیز اندیشه‌ای داشته باشد، در حقیقت بیانگر وجود یک نوع نگرش و تفکر در جامعه است. آقای مخملباف حتی به آقای شمس سردبیر روزنامه جامعه که به مدت قریب به ده‌سال در مهم‌ترین روزنامه کشور سردبیر بوده و بعد نیز به عنوان نماینده یک جریان فکری مسئولیت نشریه‌ای را به عهده داشته، به طور غیرمستقیم توهین کرده است. آقای مخملباف مطرح کرده روزنامه‌ای، روزنامه است که نه فقط حرف یک گروه و قشر خاص بلکه حرف همه مردم را بزند. این نگرش از دیدگاه روزنامه تخصصی امروز با اینکه بسیار ایده‌آلی است و ما هم آنرا قبول داریم ولی، ناصحیح و بی‌ربط به‌نظر می‌آید. حتی آقای والتر لپمن - روزنامه‌نگار سرشناس آمریکایی - و کسانی نظیر او نمی‌توانستند و نمی‌توانند روزنامه‌ای را در شرایط امروز انتشار دهند که همه طیف‌ها و قشرهای جامعه سخن خویش را در آن بیابند. مثلاً «جامعه» می‌باید روزنامه‌ای باشد که هم کشاورز خراسانی آن را بخواند، هم زن خانه‌دار سیستانی، هم شالیکار گیلانی، هم شهروند تهرانی، هم استاد دانشگاه، هم کارگر فنی، هم معلم، هم کارمند، هم کودکان و نوجوانان و هم جوانان و هم سالمندان و هم زنان... واقعاً چنین معجزه‌ای

برای آقای مخملباف

که شخصیتی فرهنگی و هنرمندی جهانی است

جای تأسف بسیار است که

مطبوعات - برادر بزرگ رسانه سینما - را

با چماق تکفیر بگویند

بررسی می‌کنند) نشریه دلخواه خود را انتشار می‌دهد و نظرات خیر و نویسنده‌گانش را در نشریه‌اش مطرح می‌کند. صاحب امتیاز چنین روزنامه‌ای فقط نشریه‌اش را مانند ثبت شرکتها به ثبت می‌رساند. حال این سؤال را از آقای مخملباف می‌پرسیم: آیا انتشار نشریات گوناگون با دیدگاههای مختلف در جوامع اروپایی، حرکتی ضددموکراسی است؟! آقای مخملباف با ناراحتی تمام می‌گوید: چرا همه روزنامه‌ها «قضاوت‌نامه منتشره فرقه‌ها» هستند و چرا همه خود را قاضی می‌دانند؟! اصلاً وظیفه یک روزنامه‌نگار این است که به‌عنوان وجدان بیدار و قاضی عدالت‌جوی جامعه ظاهر شود و روزنامه‌نگاری که قلم منتقدانه نداشته باشد و فقط از زمین و زمان تعریف کند و فقط حکایت مداح سرزمین «گل و بلبل و سنبل» را تداعی کند، آیا می‌تواند لقب پرطمطراق «روزنامه‌نگار» را یدک بکشد؟ بنابر نظر صریح آقای مخملباف، سردبیر روزنامه جامعه بهتر است حرکتی را پیش بگیرد که این دادگاه عمومی را تعطیل کند. بنابراین پیشنهاد، آقای مخملباف دقیقاً توقع حرکتی ضد «دموکراتیک، خودمحورانه و غیر اصولی» را از روزنامه «جامعه» داشته و دارند، مگر می‌توان به کارگردانان سینما گفت که شما حق ندارید در مورد فلان موضوع فیلم بسازید و یا اینکه اصلاً تفکر شما را ما تعیین و دوربین‌تان را هدایت می‌کنیم! خود آقای مخملباف می‌دانند که این طرز فکر بیانگر تفکری غیردموکراتیک و حتی فاشیستی است. اگر واقعاً «دادگاهی ملی» وجود داشته باشد هیچ روزنامه و هیچ سردبیری نمی‌تواند آنرا تعطیل کند! انتقاد دیگری که آقای مخملباف از روزنامه‌ها و نشریات کرده‌اند این است که روزنامه‌های ما به نشریات «مرگ» تبدیل شده‌اند و مرتب آگهی‌های تسلیت و ترحیم چاپ می‌کنند؟ پرسش از آقای مخملباف این است که آیا مرگ این انسانهای هموطن که عکس و مشخصات آنها در روزنامه‌ها چاپ می‌شود، تقصیر روزنامه‌نگاران و مطبوعات است و اصلاً باید پرسید که چرا نباید آگهی‌های ترحیم و تسلیت در روزنامه‌ها چاپ شود؟

آیا خود آقای مخملباف

به انحای مختلف

«مرگ» را در آثارشان به تصویر نگشیده‌اند؟

آیا خود آقای مخملباف به انحای مختلف «مرگ» را در آثارشان به تصویر نگشیده‌اند؟ آیا در فیلم «پرجاذبه و ماندگار «دستفروش» طنین «مرگ» شنیده نمی‌شود؟ آیا فیلم «بایسیکل‌ران» تجسم «مرگ» یک مرد آواره و فقیر با همسر بیمار و فرزند خردسالش نبود که در بدترین شرایط اجتماعی - اقتصادی در منجلاب بین مرگ و زندگی دست و پا می‌زدند؟ آقای مخملباف به دنبال مفهوم «زندگی» در روزنامه‌ها و مطبوعات است اما خود نیک می‌داند که بدون «مرگ»، زندگی مفهومی ندارد و هر روزنامه‌ای که بخواهد حتی راوی و تصویرگر تمامی «زندگی» باشد به دلیل اینکه همواره «مرگ» در کنار «زندگی» است به طور ناخودآگاه «مرگ» را هم به تصویر کشیده است! راستی آقای مخملباف چه می‌خواهد بگوید، آیا دردش این نیست که چرا همه مطبوعات کشور برای «او» هورا نمی‌کشند؟ چرا «از او» تعریف نمی‌کنند؟ و چرا گاه‌وبیگاه از «او» انتقاد می‌کنند؟

در «شبهای زاینده‌رود» که به عنوان «بیانیه» آقای مخملباف مطرح می‌شود «سایه مرگ» همواره بر سر قهرمانان یا هنر قهرمانان این فیلم جریان دارد؟ بنابراین وحشت آقای مخملباف از «مرگ» نیست از شنیدن و یا نخواندن واژه‌های بیشمار تعریف و تمجید در مطبوعات است. آقای مخملباف! همین‌طور که خود نیز در بسیاری موارد در آثار سینمایی و ادبی‌تان مطرح ساخته‌اید حصار «خودخواهی» و «خودمحوری» را از پیرامونتان بردارید! پنجره‌ها را باز کنید تا نسیم زندگی و آزادی حتی از درپچه‌تنگ روزنامه‌ها و مطبوعات کشور - به‌زعم شما - در فضای خانه‌تان به وزش درآید. آقای مخملباف! این روزنامه‌نگاران و خبرنگاران بودند که در بدو امر سبب شهرت و معروفیت شما شدند و باز هم این روزنامه‌نگاران داخلی هستند که می‌توانند حامی و پشتیبان و مشوق شما باشند، چرا نگاهتان اینقدر به فراسوی مرزها دوخته شده است؟!

و اما بعد بدون هیچ گونه تشریفات، و تعریفات، و تفسیرات، و تبلیغات، با شهامت و با جسارت و بدون رنگ و ریا و باز بدون ترس و واهمه در این دنیای چند روزه که هیچ روزش روز حقیر و امثال حقیر نیست، چرا که از طبقه‌ای هستم که مصداق ضرب‌المثل معروف آن مرغ (که هم در عروسی سر می‌برند و هم در عزا) با شما اهالی این جامعه، نه درددل، بلکه مباحثه می‌کنیم، که اولاً تشریف‌فرمایی شما از جامعه به جامعه مورد بحث است و دوماً حالا که تشریف آوردید در کجای این جامعه خیمه زدید؟ نیز بحث است. و ستون خیمه‌گاه شما اهالی جامعه از چه جنسی است؟ آخر، قبل از شماها در ایسن دشت برهوت خیلی‌ها خیمه‌وخرگاهی برپا کرده‌بودند، که متأسفانه با نسیمی نه چندان تند، امثا و احشائشان درهم پیچید. و لاجرم عده‌ای طنابهای خیمه و خرگاهشان را به خار و خاشاک این دشت برهوت بند کردند. و یا عده‌ای که طنابشان به بوته‌ای گیر نکرد و پادشان برد. و ما عوام الناس بارها در طول تاریخ نان به نرخ روز خوردن آن عده‌ای را دیدیم و برمجلس ترحیم این عده‌ای دیگر هم بارها نشست و فاتحه‌ای خوانده‌ایم. که دیگر بصورت عادت و یا بهتر بگویم بصورت یک قانون بلافصل در آمده است.

حقیر مثالی بهتر از مثال جناب آقای محسن مخملباف پیدا نکردم و حق هم همین‌است که اینگونه سؤال شود که آیا جنگلهای سرسبز را قربانی کدام اندیشه سرسبزتر می‌کنید؟ آیا قرار است اندیشمندان این اندیشه سرسبزتر، معجزه‌ جددیدی را به جامعه معرفی نمایند؟ یا خیر. این نیز بازاریست که در تبلیغات اجناسشان از هیچ نیرنگی فروگذار نخواهند بود. اگر خدای ناکرده چنین خواهد بود، ما عوام‌الناس این اجتماع، جلوتر از همه بر شما می‌گوییم «بازا راولسون».

هرکسی دربهانه‌ای تیزهوش باشد کس‌نگوید که دوع من ترش باشد

[...]

اهالی محترم جامعه، این مرغان سربه تیغ سپرده‌هم در عروسی و هم در عزا سالهاست یا بلکه قرن‌هاست که درتاریخ، موضوع مورد بحث را به نزد مسئولان محترم وقتشان برده و با عرض ادب و ادای احترام و با رعایت سلسله مراتب اداری جهت رسیدگی و رفع مشکل لاینحلشان به حضور محترمین رسیده‌اند و عارض شده‌اند ولیکن غیر از شدت

درد و گریهی بیشتر، در کارگاه

گشایشی نشد که نشد. لذا هرگاه

سخن از قانون و قانونمندی و

عدالت و جامعه مدنی به میان

می‌آید این حقیر به شدت منتقلب

می‌شوم و دردمندانه می‌گیرم. نه

تنها به حال خود بلکه به حال نوعی،

و بسیار کسانی که دردمندتر از

حقیر، که حتی واژه عدالت برایش

تهوع‌آور است و عنوان جامعه مدنی

برایش نآشنا. در این سرای

چندروزه که هیچ روزش روز این

حقیر و امثال حقیر نیست، می‌خواهم

بدانم آیا در واقع کسی هست که

حداقل بطور نسبی عدالت را در

جامعه بشری رواج داده و ایجاد

توازن کند؟ و به طور ریشه‌ای به

این امر بسیار مهم پرداخته‌شود؟ یا

خیر. بازهم دعوا سر لحاف ملاست؟

با توجه به تحقیق و مطالعه کتب

مختلف تاریخی، انسان در می‌یابد

که عدالت و قانونمندی و

علی‌مداری هزارگاهی در تاریخ

متولد شده و هنوز رشد نکرده و

پرورار نشده به مسلخش برده و ذبح

کرده‌اند. که همیشه کارد سلاخی

تاریخ تیز و برنده است. تا اینکه

مادر هستی، کودکی به دنیا می‌آورد،

چند روزی نسیم عدال‌الهی به

حرکت در می‌آید و هنوز قدم

نورسیده چند قدمی پیش نرفته،

کارد سلاخی تاریخ از غلاف بیرون

آمده و خون عدالت را برزمین

می‌ریزد، و تا تولد مجدد عدل بین

سیاست و عدالت فرسنگها فاصله

است. بین سیاست و عدالت همیشه

قرنها راه است. و نسلها فاصله است؛

هیچ وقت این‌دو با هم همسایه

نبودند. هیچ وقت این دوبا هم آشتی

نبودند. هیچ وقت این دوآشان به

یک جو نرفت که نرفت، به لحاظ آن

خاطره تلخ فرزندان آدمی، که در

اولین صبح تکثیر بشر، که‌هائیش

رفت و قایلش ماند. و آن کسی که

این دو را با هم صلح و آشتی دهد

یقیناً همای اوج سعادت به دام او

افتد. نه اینکه فکر شود سیاست

منهای امور بشری، و عدالت به طور

اخص، خیر. بلکه این دو با هم به این

جهان هستی گام نهاده‌اند. غرض،

آشتی و صلح این‌دو است، که در

جوارشان زندگی حتماً دیدنی و

تجربه کردنی است.

آشتی عدالت با سیاست،

درست همان چیزیت که بشر در

طسول تساریخ در آرزوی بوجود

آمدنش و محقق شدنش نسل به

نسل در انتظارش مرده و زنده

شده‌اند. و درست هر نسلی همین

آرزو را داشت. و با همین آرزو بر

سر راه انتظار فسیل گشته و

می‌شوند.

سخنی در مورد جامعه جنگلها و جنگها

جعفر صادقی

۱ - محسن عزیز: در دومین شماره روزنامه جامعه مطلبی نوشته بودی در شش اپیزود تحت عنوان جامعه جنگلها و جنگها، از همان ابتدای سخن [...] «پیشنهاد داده‌ای به روزنامه جامعه مشاوره بدهم که چگونه باشد. اول می‌پرسم که اصلاً چرا باید باشد؟» البته سؤال تو سؤال زندگی است از انسانیت و بجا هم هست، منم سؤالی دارم که جامعه مدنی در قبال جامعه... چی؟ که روزنامه جامعه اولین روزنامه ارگان جامعه مدنی است؟

۲ - محسن عزیز: [...]. وقتی فردای تأسیس اداره سجل و احوال صادر شد، کلیه کسانی که خواندن و نوشتن می‌دانستند در این اداره به‌خدمت گرفته شدند. سوادشان البته کم بود [...] برای صدور سجل احوال وقتی به محل کار افراد مراجعه می‌کردند، پس از پرسیدن نام شخص شغل او را به عنوان فامیل (بیخشید، نام‌خانوادگی فارسی) در ورقه سجلی ثبت می‌کردند. این نام‌خانوادگی را در سه گروه می‌توان دسته‌بندی کرد. گروه اول نامهای آهنگر - چلنگر - سفالگر - گشت گر - گندمکار - زحمتکش - رنجبر - دباغ - حصیرباف - نم‌مال - [...]

گروه دوم نامهای: دکمه‌چی - منگنه‌چی - دستمالچی - جورابچی - مخملپوش - شالچی - آهنچی - [...]

گروه سوم چون خودشان از نعمت سواد برخوردار بودند به هنگام مراجعه مأمور سجلات، خود نام خانوادگی خود را بر می‌گزیدند و یا مأمور آمار از روی احترام کلمه‌ای زیبا و بزرگ را برایشان برمی‌گزید که بیشتر با هنرشان در ارتباط بود تا شغلشان، مانند نامهای بحرالعلوم، ضیاء العلماء، ذوالریاستین، زاهدالخطبا، مفتاح الشریعه، [...]

۳ - با الهام از درس تاریخ به هنگام نگاه کردن از آینه بالای سر به عقب می‌توانیم از فامیلها به شجره‌نامه افراد پی ببریم و بفهمیم که آیا می‌توانیم با بعضیها به طور مساوی سر یک میز بنشینیم و با هم حرف بزنیم و احیاناً غذایی صرف کنیم؟ البته خودت بهتر می‌دانی که بسیاری از فامیلهای فوق بعد از مدتی با مراجعه به اداره سجلات تغییر نام دادند تا بتوانند طبقه فامیلی خود را مکترم نگهدارند و امروز فقط با مراجعه به اداره سجلات می‌توان به شجره‌نامه‌شان پی برد.

محسن عزیز: گروه سوم فامیلها در طول تاریخ متکلم وحده بوده‌اند و گروه اول هم همیشه گفته‌اند چشم.

محسن عزیز!

حرف تو و شمس و دیگران این است که؛

بگوئیم و بشنویم، درکمال احترام و سازگاری،

نه قضاوت کنیم و نه مجازات در کمال

بی‌احترامی

در بعضی جاها از تاریخ هم مابین گروه دوم و سوم تفاهمهایی در بعضی مقاطع تاریخ صورت گرفته است در اینجا توجهات را به یک مناظره از مرحوم پروین اعتصامی جلب می‌کنم که بسیار زیبا سروده، درباره دو قطره خون، که یکی از پای خارکنی چکیده و دیگری از دست تاجوری، و قطره خون دوم پیشنهاد می‌دهد که بیا من و تو یکی شویم، وقتی یکی شدیم بهتر می‌توانیم بر مشکلات فائق شویم. قطره خون اول در پاسخ می‌گوید، من حاصل رنجم و تو نماینده عشرت و راحت و خلاصه R.H من و تو یکی نیست.

۴ - [...] محسن عزیز: حرف تو و شمس و دیگران این است که: بگوئیم و بشنویم. در کمال احترام و سازگار [...] نه قضاوت کنیم و نه مجازات در کمال بی‌احترامی.

اگر روزی مخملبافها، مخملپوشها، کرباس بانها، کرباسی‌چی‌ها، دباغها، آهنچی‌ها، شمس‌الواعظین‌ها، بر سر یک میز نشستند و گفتند و شنیدند، خواهی دید که لحن جامعه در روزنامه جامعه با همان وسعتی که تو گفته‌ای تحقق خواهد یافت.

(این نام‌خانوادگی در هیچکدام از طبقه‌بندیهای فوق نبود و عوض هم نشده است) اگر چاپ شد این نامها هم حرفی برای گفتن دارند و آن هم این است: چشم!!